



دَفْعُ وَرَفْعُ

پاسخ به سوالات و شبهاتی پیرامون
انتخابات

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات
(حوزه‌های علمی)

پاسخ

ضمیمه فصلنامه پاسخ
pasokhmag.ir



فهرست

۷ مقدمه

انتخابات و مردم جایگاه و نقش مردم

- ۹ ۱. در دموکراسی ملاک رأی اکثریت است، آیا این با اسلام مغایرت ندارد؟ اگر مردم اشتباه کنند چرا از آن‌ها پیروی کنیم؟
- ۱۱ ۲. چرا آرای مردم، پایه و اساس مشروعیت حاکمیت و مناصب در جمهوری اسلامی نیست؟
- ۱۶ ۳. چرا رقابت به عنوان شرط دموکراسی در انتخابات ایران وجود ندارد؟
- ۲۱ ۴. در یک حکومت دینی، «رقابت سیاسی برای خدمت» کجا معنای یابد؟
- ۲۶ ۵. چرا در مشارکت و انتخاب مردم بیشتر جنبه تکلیف مورد توجه قرار می‌گیرد و کمتر به جنبه حق بودن آن پرداخته می‌شود؟
- ۲۹ ۶. آیا تعدد احزاب در نظام اسلامی موجب تقویت انتخابات و افزایش حضور مردم در آن می‌شود؟
- ۳۰ ۷. آیا حضور مردم در انتخابات ایران نمایشی است و صرفاً جنبه تبلیغاتی در برابر غربی‌ها دارد؟
- ۳۶ ۸. وظیفه و نقش مردم در انتخابات از منظر رهبری چیست؟

ضرورت و اهمیت انتخابات

- ۴۳ ۱. انتخابات چه فائده‌ای دارد و حضور در آن چه ضرورتی دارد؟
- ۴۹ ۲. گفته شده مشکلات به خاطر این است که مردم درست رای ندادند، چرا رای بدهند، وقتی کاندیدها مثل هم هستند و همه چیز دست رهبر است؟
- ۵۱ ۳. تأثیرگذاری دشمن در انتخابات ایران چگونه می‌تواند باشد؟
- ۵۷ ۴. آیا شرکت در انتخابات و رأی دادن کار دینی و عبادت است؟
- ۵۹ ۵. بعضی به دلیل وجود برخی مشکلات در انتخابات شرکت نمی‌کنند، چگونه می‌توان آنها را توجیه کرد؟
- ۶۳ ۶. چه موانعی برای مشارکت مردم در انتخابات وجود دارد و راه حل چیست؟

حضور حداکثری در انتخابات

- ۶۹ ۱. جهت افزایش انگیزه مردم برای مشارکت در انتخابات و حضور حداکثری چه باید کرد؟
- ۷۲ ۲. کم شدن مشارکت در انتخابات چه تأثیری بر نظام دارد؟

انتخابات و اخلاق

- ۷۵ ۱. ویژگی‌های اصلی اخلاق انتخاباتی بر اساس آیات و روایات چیست؟
- ۸۰ ۲. از نظر امام رحمته‌الله‌علیه و رهبری علیه‌السلام اخلاق انتخاباتی چه شاخصه‌هایی دارد؟
- ۸۳ رقابت احزاب و جریان‌های سیاسی در انتخابات ممکن است با چه آسیب‌هایی مواجه شود؟
- ۹۵ ۴. چگونه می‌توان یک انتخابات سالم برگزار کرد؟

انتخابات و نظارت

- ۹۹ ۱. آیا نظارت بر انتخابات مخالف حق مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن که در زمره حقوق ملت در قانون اساسی از آن یاد شده است نمی باشد؟
- ۱۰۰ ۲. آیا بهتر نیست با کنار گذاشتن مراجع رسمی احراز صلاحیت، افراد خود به تحقیق بپردازند و با آزادی بیشتری انتخاب کنند؟
- ۱۰۲ ۳. چرا نظارت در کشور ما همچون نظارت در کشورهای دیگر نیست؟ آیا نباید ما نظارت‌مان را به سبک سایر کشورها کنیم؟
- ۱۰۵ ۴. حق انتخاب آزاد، بنیادی‌ترین اصل دموکراسی است نه اینکه حکومت قیّم‌گونه به مردم بگوید به چه کسانی می‌توانند رأی بدهند، مردم می‌توانند یک قاتل را هم انتخاب کنند.
- ۱۰۹ ۵. آیا در کشورهای دیگر نیز نهادی برای نظارت بر انتخابات وجود دارد؟ و آیا نظارت آنها نیز استصوابی است؟

۱۱۳ فهرست منابع



مقدمه

«دفع و رفع»، تاملی در شبهات جاری است که تلاش می‌کند ضمن ارائه پاسخ تفصیلی، موضعی تهاجمی و پیش‌گیرانه به مسائل و موضوعاتی داشته باشد که زمینه‌ساز بروز شبهه یا شبهه‌افکنی در فضای فکری جامعه است.

انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی، برآیند حاکمیت مردم‌سالاری دینی و حق انتخاب برای مردم است که از ابتدای انقلاب تا کنون به شدت حراست شده است تا شائبه هرگونه اختلال و اختلال در فرایند آن به اذهان خطور نکند؛ در این شماره تلاش می‌شود تا مهم‌ترین سوالات و شبهاتی که در موضوع «انتخابات» وجود دارد، بررسی و پاسخی جامع و مناسب ذیل سه عنوان کلی «انتخابات و مردم»، «انتخابات و اخلاق»، «انتخابات و نظارت» ارائه شود.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات
حوزه‌های علمیه



انتخابات و مردم جایگاه و نقش مردم

۱. در دموکراسی ملاک رأی اکثریت است، آیا این با اسلام مغایرت ندارد؟ اگر مردم اشتباه کنند چرا از آن‌ها پیروی کنیم؟

پاسخ:

۱. ملاک و معیار اسلام با ملاک و معیار حکومت‌های دموکراسی غرب متفاوت است؛ ملاک و معیار در حکومت اسلامی پیروی از حق است در حالی که ملاک و معیار دموکراسی غرب پیروی از اکثریت می‌باشد.

اکثریت و کاربرد آن در نظام اسلامی:

در نظام اسلامی در بعضی موارد و مراحل، «اکثریت» معتبر است و جایگاه خاص خود را دارد که همان مقام «تشخیص حق» است نه «تثبیت حق»؛ یعنی حق را وحی الهی تبیین و تثبیت می‌کند و در مقام اجرای حق، رأی اکثریت کارساز است. گاهی هم در مواردی که

تشخیص حقّ دشوار است و صاحب نظران اختلاف نظر دارند، رأی اکثریت معیار است.^۱

تفاوت اساسی نقش اکثریت در غرب با نظام اسلامی:

الف. در حکومت اسلامی، حقّ و قانون، پیش از اکثریت و مقدّم بر آن است و اکثریت، کاشف حقّ است نه مولّد و به وجود آورنده آن، ولی در نظام‌های دموکراسی غربی اکثریت پیش از حقّ و قانون و به وجود آورنده آن است.

ب. جایگاه اکثریت در اسلام مقام عمل و اجراست.^۲ به این معنا رأی اکثریت مردم در کارهای اجرایی خودشان که در آن امر و نهی دینی نرسیده است معتبر است و این می‌تواند به عنوان یک اصل عقلایی مورد قبول باشد. بدیهی است استناد به اکثریت نه به معنی آن است که در موارد معلوم نبودن جانب حقّ و باطل، اکثریت دلیل حقانیت یک جانب است و نه بدان معنی است که اگر حقّ در جانب اقلیت تشخیص داده شود تبعیت از اکثریت لازم است، بلکه یک راه حلّ و اصل عقلایی است که در مقام تشخیص و در مقام اجرا، کاربرد دارد.^۳

۱. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵، ص ۹۱-۹۰.

۲. همان، ص ۹۱.

۳. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲. پذیرفتن رأی اکثریت در نظام اسلامی از سنخ تبعیت از اکثریت در دموکراسی‌های غربی نیست زیرا در دموکراسی غربی، عیار حق و درستی، اکثریت و تبعیت از آن است ولی در نظام اسلامی ملاک و معیار حق و درستی، اکثریت نیست بلکه صرفاً رجحان امری از اموری که مخالفتی با دین و قوانین اسلام نیز ندارد را روشن می‌نماید؛ یعنی آشکار می‌نماید از این اموری که مخالفتی با دین ندارد کدام، قابلیت ترجیحی برای اجرا دارد.

دیگر این که آراء عمومی و رأی اکثریت، زمینه مقبولیت و شرایط را برای تحقق حکومت حق و مشروع، فراهم می‌نماید و حکومت مشروع می‌تواند با همین مقبولیتی که از رأی اکثریت حاصل شده است زمینه را برای انجام اعمال صالح فراهم نماید.

۲. چرا آرای مردم، پایه و اساس مشروعیت حاکمیت و مناصب در جمهوری اسلامی نیست؟

پاسخ:

قبل از تبیین مسأله مشروعیت حکومت دینی و اعتبار آرای عمومی در آن، توجه به نحوه حکومت دموکراسی به اصطلاح غربی آن و نیز اعتبار آراء عمومی در این نوع حکومت، جهت تمییز بین دموکراسی غربی و دموکراسی مکتبی و اسلامی لازم است.

حکومت دموکراسی:

دموکراسی به معنای مردم سالاری و حکومت مردم، بدان معناست که مردم در شؤون حکومت، اعم از قانونگذاری، اجرا و دیگر امور سیاسی جامعه خود نقش داشته باشد.^۱

تکیه‌گاه این نوع حکومت، اثرگذاری مستقیم آراء عمومی در همه امور جامعه و در رأس آنها حاکمیت و قدرت حاکم و حاکمان است. در این تفکر آراء عمومی تنها دلیل مشروعیت و حقانیت حکومت است. امروزه دموکراسی از حیث تئوری آن در کشورها رایج است اما آنچه مهم می‌نماید آن است که از حیث عملی و اجرا تاکنون نتوانسته است مصداق روشنی برای خود در عرصه جهانی فراهم آورد.

اشکالاتی که حکومت دموکراسی در اجرا با آن مواجه

است:

الف. ضرورت توجه به آراء عمومی در حکومت دموکراسی غربی ایجاب می‌کند که به نظر مردم اعتنا شود و حال آنکه چنین چیزی حقیقتاً امکان‌پذیر نیست. حتی در مواردی که آرای اکثریت مورد عمل قرار می‌گیرد، باز اقلیت به حق خود (بنابر پیش فرض دموکراسی) نمی‌رسند. اگر خواسته مردم قانون‌ساز

۱. نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵.

است پس چرا اقلیت نتوانند قانون آفرین باشند.^۱

ب. در حکومت دموکراسی، همه یا بعضی از مردم حق حکومت بر همه مردم را دارند. راستی این حق از کجا آمده است و چه کسی حق حاکمیت بر اعراض و نفوس مردم را به آنها داده است. اگر گفته شود قانون، سؤال این است که صحت قانون از کجا ثابت است. اگر گفته شود از آنجا که بیانگر خواست همه یا اکثریت مردم است پس مجدداً بازگشت آن به رأی همه و یا اکثریت مردم است و همچنان این سؤال باقی است، تا این حالت دوری باقی است.

ج. اصطلاح رایج دموکراسی به معنای وکیل شدن حاکم توسط مردم است تا به وضع و اجرای حدود پردازد و در واقع وقتی اکثر مردم یا نصف به اضافه یک به مقررات و سازمانی رأی دادند آن سازمان حکومتی قانونی می‌شود. ولی سؤال این است، آیا حکومت نسبت به آن اقلیت که وکیل آنها نیست، حق وضع قوانین در حوزه زندگی اجتماعی آنها را دارد؟ و با استناد به چه قانونی و حقی بر آن حکومت می‌کند.^۲

مشروعیت و حقانیت:

مشروعیت یک حکومت یعنی قانونی بودن آن

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۲. رک: همان، ص ۱۶۲-۱۶۳.

و حقانیت داشتن آن و منظور این است که کسی، حق حکومت کردن داشته باشد و مردم نیز موظف به تبعیت از آن باشند. و البته بین حکومت و حاکم و تبعیت مردم لازمه‌ای قوی برقرار است؛ چراکه پذیرفتن حکومت یعنی اثبات حق حاکمیت برای کسی و تبعیت از دستورات آن حاکم است.^۱

البته در باب ملاک مشروعیت، دیدگاه مختلفی وجود دارد که عبارتند از: نظریه قرار داد اجتماعی، عدالت و ارزش‌های اخلاقی، زور و غلبه که از دیدگاه اسلام مورد نقد قرار گرفته است.^۲

مشروعیت در نظام اسلامی:

در هر نظام سیاسی، مشروعیت از فلسفه فکری و جهان بینی حاکم بر آن جامعه ناشی می‌شود؛ از این رو مبنای مشروعیت در جامعه‌ای که اعتقادی به خدا ندارد با جامعه‌ای که در آن اعتقاد به خداوند وجود دارد، متفاوت است.

در بینش اسلامی، منبع و سرچشمه مشروعیت حکومت، الهی بوده و از ولایت تشریحی و یا اراده تشریحی خداوند سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا اساساً

۱. ر.ک: مصباح یزدی، محمد تقی، حکومت و مشروعیت، کتاب نقد (سال دوم، تابستان ۷۷، شماره هفتم) ص ۴۳.

۲. ر.ک: مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۷۹، ج ۲ و نوروزی، محمد جواد، فلسفه سیاست، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.

هیچ گونه ولایتی جز با انتساب به نصب و اذن الهی، مشروعیت نمی‌یابد.

بر اساس اعتقاد توحیدی، خداوند ربّ و صاحب اختیار هستی و انسان هاست. چنین اعتقادی ایجاب می‌کند که تصرف در امور مخلوقات با اذن خداوند صورت گیرد و از آن جا که حکومت و تنظیم قوانین، مستلزم تصرف در امور انسان‌هاست، این امر تنها از سوی کسی رواست که دارای این حق و اختیار باشد، یا از طرف او مأذون و منصوب باشد. وقتی خداوند که منشأ حقوق است حق حکومت و ولایت بر مردم را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اگذار نموده است، او حق دارد احکام الهی را در جامعه پیاده کند؛ چون از ناحیه کسی نصب شده است که همه هستی و حقوق و خوبی‌ها از اوست.

مشروعیت به عنوان «بایستی اطاعت از فرمان‌های حکومت» و «حق آمریت حاکم» امری عینی و فراتر از رأی مردم است. انتخاب مردم در مقام فعلیت بخشیدن به این نظام مؤثر است، نه در مشروعیت دادن به آن. پذیرش و آرای مردم، شرط لازم برای تحقق عینی حکومت است نه شرط کافی آن.

۳. چرا رقابت به عنوان شرط دموکراسی در انتخابات ایران وجود ندارد؟

پاسخ:

یکی از موضوعات قابل توجه در عرصه فلسفه سیاسی، دموکراسی است که معادل فارسی آن، مردم سالاری خوانده شده است.^۱

هر چند نگاه ویژه جامعه جهانی و تکاپو در راستای به کارگیری آن در سیره سیاسی و اداره جامعه، در شکل و گونه‌های مختلف آن خصوصاً در عصر مدرن، حایز اهمیت است اما در عین حال این مفهوم، نتوانسته است از تعریف منسجم و غیرقابل تشکیک برخوردار باشد.

ناهمنوائی و تشتت در تعریف و معنایابی این مفهوم، بسیار برجسته می‌نماید و از همین نظرگاه است که شاهد تعاریف متعدد و در مواردی ناسازگار از معنای دموکراسی بوده ایم که البته هر کدام از این تعاریف می‌تواند مدعی نوعی از دموکراسی باشد و بدیهی است که پیدایی گونه‌های مختلف از دموکراسی را می‌توان در پرتو همین چند معنایی و برداشت‌های مختلف از آن دانست.

دموکراسی لیبرال که وجه همتش اولویت دادن به

۱. بیات، عبد الرسول و جمعی از نویسندگان فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۰.

مسئله آزادی در مقایسه با سایر ارزشها و هنجارهای سیاسی است.

دموکراسی نخبه‌گرایانه که از مصادیق بارز دموکراسی نمایندگی است.

دموکراسی سوسیالیستی که مدافع فرصت‌های برابر در امور اقتصادی است و از تأثیر نامطلوب نابرابری اقتصادی بر برابری سیاسی نگران است و در همین راستا دخالت جدی دولت را در مسائل اقتصادی خواستار است.

در این مجال این سؤال مطرح است که آیا دموکراسی منحصراً در گونه‌های یادشده متصور است و آیا در صورت حفظ اصول آن، پیدایش گونه‌های دیگر، ممتنع است یا خیر؟ آیا نمی‌توان در کنار این همه مدل‌های ارایه شده از دموکراسی، دموکراسی دینی نیز داشت؟ در باب امکان سازگاری دموکراسی و دین، مواضع مختلفی وجود دارد:

الف. برخی به جانبداری از دین، قائل به ناسازگاری بین دموکراسی و دین شده‌اند.

ب. گروهی دیگر به دفاع از مردم‌سالاری، قائل به ناسازگاری هستند. به عقیده آنها دموکراسی ذاتاً با اقتدار مذهبی خوانایی ندارد و در واقع اقتدار سیاسی باید از اقتدار دینی جداگردد.

ج. برخی هم با تأمل در مؤدیات این دو، طریق جمع را پذیرفته‌اند و مدل سازگاری مشروط را پذیرفته‌اند که همان دموکراسی دینی است.

دموکراسی دینی

دموکراسی را به دو گونه «روش» و «ارزش» می‌توان از هم جدا کرد. دموکراسی در گونه «روش» هرگونه هدف و آرمان اجتماعی را بر نمی‌تابد و موضع ویژه‌ای نسبت به آنها ندارد، برخلاف گونه «ارزشی» آن. مسلماً دموکراسی‌ای که تکثرگرایی و نسبییت را آرمان و ارزش بشمار می‌آورد نمی‌تواند با آرمان‌ها و ارزش‌های دینی سازگار باشد. از این روی مردم سالاری دینی یعنی اتخاذ دموکراسی به گونه روش (که قابلیت پذیرش هر نوع ارزش را دارد) برای حضور مردم و اراده جمعی در سرنوشت خویش از طریق ارزش‌های دینی و با توجه به آموزه‌های دینی است؛ یعنی مردم و نمایندگان آنها با حفظ ضوابط دینی و حدود شرعی صاحب اراده و اختیار و تصمیم‌گیری هستند و می‌توانند در انتخاب ساختار و روش اجرای مسائل مهم جامعه و تصمیم‌گیری عمده براساس موازین اسلامی نقش عمده داشته باشند.

البته چنین الگوهایی در تاریخ سیاست، بی‌سابقه نیستند؛ به عنوان مثال دموکراسی، لیبرال دموکراسی‌ای را می‌طلبد که با ارزش‌های مورد نظر خود منطبق باشد. بر همین اساس مدل مردم سالاری دینی از پشتوانه متون دینی برخوردار است و مؤلفه‌های

دینی از قبیل، مشورت، برابری همگان در برابر قانون، عدالت اجتماعی، شفافیت امر حکومت، پاسخگو بودن حاکمان به مردم، نظارت مردم بر قدرت سیاسی و... از اموری هستند که در این مدل مورد توجه‌اند.^۱

در پاسخ به این ادعای مطرح شده در سؤال لازم است به نکاتی توجه شود:

۱. رقابت نمی‌تواند لزوماً شرط دموکراسی واقعی و تمام عیار باشد. یکی از امتیازات هر نظام سیاسی، برخورداری از رأی جمعی است و هرگاه رأی جمعی به گونه‌ای باشد که اکثریت قریب به اتفاق جامعه را در برگیرد، در این صورت شاهد یکی از عمده مصادیق دموکراسی در اصل تشکیل آن نظام سیاسی خواهیم بود. اگر دموکراسی همان معنای متبادر از آن، یعنی مشارکت عمومی مؤثر در صحنه‌های مختلف جامعه و تأثیرگذاری آزادانه در نحوه راهبرد امورات جامعه و دستگاه‌های مختلف حاکمیت بدانیم، بهترین شکل دموکراسی همین دموکراسی مبتنی بر اکثریت آراء و رأی جمعی قریب به اتفاق است و اگر شدت رأی جمعی، موقعیتی برای رقابت در اصل نظام حاکم ایجاد نکند، اشکالی بر جنبه دمکراتیک بودن آن نظام نیست.

۲. لزوماً چنین نیست که در هر نظام سیاسی که از

۱. رک: همان، ص ۲۸۵-۲۸۸.

مشارکت عمومی برخوردار باشد، میدان رقابت مسدود باشد، زیرا در صورت تعیین یک نظام خاص بوسیله آراء عمومی، میدان رقابت در عرصه‌های دیگر همان نظام، نظیر رقابت در روش اجرای موفق چارچوب‌های مورد نظر حکومت و حضور نخبگان در تصمیم‌گیری‌های کلان، حضور فعال رقبا در صحنه‌های انتخاباتی از جمله ریاست جمهوری و انتخاب مجلس، به شدت می‌تواند جاری باشد.

۳. در صورت اقبال عمومی به یک نظام سیاسی خاص، رقابت را شرط دمکراسیزه کردن آن نظام قرار دادن، چه بسا به رأی جمعی و اکثریت قریب به اتفاق باشد. زیرا بنابر آنچه که از دموکراسی معهود است یعنی توجه به آراء مردم، توجه به آرای عمومی در وهله اول لازم است. و در خصوص نظام جمهوری اسلامی، باید گفت لحاظ شرط رقابت برای دمکراتیک بودن نظامی که مبتنی بر رأی ۹۸٪ مردم است غیر قابل قبول است. آری زمانی رقابت به عنوان شرط و پایه دموکراسی مطرح است که فاقد مشارکت عمومی که از حیث رتبه، مقدم بر رقابت است، باشیم.

نتیجه آنکه برجسته بودن عنصر مشارکت عمومی در نظام جمهوری اسلامی، قدحی بر دمکراتیک بودن آن وارد نمی‌کند سوای آنکه این‌گونه هم نیست که در ایران شاهد صحنه‌های رقابت نباشیم.

۴. در یک حکومت دینی، «رقابت سیاسی برای خدمت» کجا معنا می‌یابد؟

نگرش اسلام به عنوان مجموعه تعالیم و حیانی به پدیده قدرت کاملاً جنبه ابزاری دارد و مطلوبیت آن به مطلوبیت هدف دارندگان قدرت و نحوه بهره برداری از قدرت منوط است. در چنین چارچوب فکری مفهوم رقابت نیز در راستای نیل به اهداف متعالی و رسیدن انسان در دو حوزه مادی و معنوی و با جنبه‌های فردی و جمعی نمود می‌یابد و از سویی برخی از فعالیت‌های سیاسی به منظور تامین سعادت اجتماع به عنوان یک هدف برتر و مشترک کلیه جهت‌گیری‌ها محسوب می‌شود و از سوی دیگر تعالیم دینی، اجرا و تحقق این اهداف را در اقدام دارندگان صلاحیت در یک حوزه رقابتی مطرح می‌کند.

رقابتی که قرآن و سنت مد نظر دارد و جامعه را بدان ترغیب می‌نماید بسیار عام و گسترده است و می‌تواند مصادیق بسیار زیادی را در بر گیرد که رقابت سیاسی سالم یکی از مصادیق آن می‌باشد. قرآن کریم سبقت گرفتن از یکدیگر در امر خیر، نیک و پسندیده را مطلوب دانسته و آنرا از اوصاف بندگان پاکدل و اهل ایمان می‌داند.^۱ بنابراین سبقت گرفتن از یکدیگر در امر خیر بیانگر نوعی رقابت در درون جامعه اسلامی است

۱. سوره مومنون، آیه ۶.

و رقابت سیاسی نیز از مصادیق رقابت در امور خیر است. چرا که مدیریت معقول و بایسته جامعه دینی از مصادیق بارز امور خیر می باشد و صحنه این مدیریت، عرصه رقابت قرار می گیرد.

لازم به ذکر است که چارچوب رقابت ها در طول قانون اساسی و قوانین جاری مشخص است و این چارچوب در تمامی نظام ها معطوف به اصول قانون اساسی است و بر پایه قانون اساسی رقابت ها باید در جهت تحکیم مبانی حکومت دینی باشد. به عنوان مثال نظام جمهوری اسلامی نظامی است که بر اساس اعتقاد به قرآن و احکام الهی شکل گرفته و مردم در فراندوم های گوناگون و انتخاب های مکرر، شکل رقابت را در قالب اسلام و آموزه های دینی قبول دارد. به همین دلیل قانون اساسی و قوانین عادی برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و به طور کلی چارچوب رقابت ها، حدود و شرایطی را قرار داده است و شورای نگهبان و نیز وزارت کشور وظایف کلیدی دارند.

رقابت سیاسی و عملکرد سیستم سیاسی:

یکی دیگر از نمودهای رقابت سیاسی در مورد عملکرد سیستم سیاسی جامعه اسلامی است. چرا که نقد عملکرد سیستم سیاسی یکی از کارهای ویژه مهم نظام رقابتی است که در فرهنگ اسلامی نیز مورد توجه قرار می گیرد. امام علی علیه السلام این نکته را در قالب فرمان دینی بیان کرده می فرماید: **(فعلیکم بالتناصح فی ذلك**

و حسن التعاون علیه». (نصیحت و نقد خیر خواهانه رسالتی است که امت اسلامی برای اعانت و یاری حاکم دینی و دولت اسلامی بردوش دارند).^۱

به عبارت دیگر نقد دلسوزانه حکومت دینی فراتر از حقوق شهروندی به عنوان یک تکلیف سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا در میان امت اسلامی باید کسانی با نقد و نظارت مستمر سلامت حکومت دینی را تضمین نموده از خطاها و انحرافات احتمالی جلوگیری کنند. باز شدن فضای نقد و نظارت زمینه‌های لازم را برای رقابت نیروها فراهم می‌آورد. لذا در فضای نقد و نظارت بر عملکرد سیستم سیاسی کشور رقابت سیاسی می‌تواند نمود فراوانی داشته باشد.

رقابت سیاسی و تعدد اجتهادات:

بهره برداری حکومت دینی (حاکم عادل) از قواعد متین و متقن شرعی و استحکام پایه‌های حکومت دینی و قوانین برگرفته از تعالیم دینی نمی‌تواند عصمت حاکم عادل را اثبات کند. بنابراین حاکم اسلامی هر چند بر فرض از عدالت برخوردار است، اما احتمال خطا در استنباط و جدی‌تر از آن در تطبیق و اجرای احکام و شیوه‌های اجرا کاملاً موجه به نظر می‌رسد. عدالت حاکم اسلامی تعمد در خطا را منتفی می‌سازد اما اصل خطا را از بین نمی‌برد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.

اصل خطا پذیری در اجتهاد، همان‌گونه که اشاره شد، به عنوان یک اصل پذیرفته شده کاملاً این معنا را اثبات می‌کند. تعدد اجتهادات در زمینه احکام شرعی و به خصوص عبادات، تعدد اجتهاد در امور سیاسی و عرفی را به سادگی می‌پذیرد. دیگر اینکه تعدد در اجتهادات در زمینه مسائل سیاسی بیانگر پذیرش تنوع و تکثر است که خود بستر لازم برای رقابت سیاسی را فراهم می‌آورد. نتیجه اینکه این عرصه نیز می‌تواند یکی از عرصه‌های نمود رقابت سیاسی باشد. البته برای اهل فن و با رعایت تمامی ضوابط آن.^۱

رقابت سیاسی و امر به معروف و نهی از منکر (نمود فرهنگی سیاسی رقابت سیاسی)

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان روش واقعی تغییر و اصلاح اجتماعی و برخورد با حالت انحرافی که بر جامعه دینی و دولت اسلامی عارض می‌شود رسالت همگانی است که به خوبی زمینه‌های مشارکت و رقابت سیاسی افراد و نیروها را فراهم می‌آورد.^۲ چرا که مسلمانان در قبال خوبی و بدی زندگی اجتماعی و رفتار افراد نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند.

به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی با توجه به

۱. سجادی، سید عبد القیوم، مبانی تحرّج در اندیشه سیاسی اسلام، قم: یوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۸۱-۸۰.

۲. فضل الله، سید محمد حسین، تاملات فی الفكر السياسي الاسلامی، بیروت: التوحید، ص ۳۹.

پیچیدگی‌های زندگی سیاسی، اعمال نظارت مستقیم و فردی با مشکلات جدی روبروست و گاه در بیشتر موارد تا سر حد عدم امکان می‌رسد. در چنین حالتی استفاده از ابزار مناسب که بتواند مجموعه‌ای از آرای انتقادی شهروندان را ترکیب کرده وارد سیستم سیاسی سازد، ضروری به نظر می‌رسد. احزاب سیاسی که جمع‌آوری تقاضاها و وارد کردن آن به سیستم سیاسی از کارهای ویژه آنان محسوب می‌شود، یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مناسب برای اجرای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر می‌باشند.

بنابراین از آنجایی که استخراج و تبیین شیوه‌های اجرای این دستور شرعی به شرایط و مقتضیات زمان احاله شده است، این امر زمینه‌های رقابت در ایجاد بهترین ابزار و مناسبترین راهکار اجرایی را در درون جامعه‌ی دینی فراهم می‌کند و افراد جامعه‌ی دینی به ویژه نخبگان فکری جامعه را فراخوان می‌دهد. بدین ترتیب همچنانکه اجرای امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مصداق امر خیر، در معرض رقابت افراد قرار می‌گیرد، کشف بهترین ابزار برای نیل به این خیر مهم نیز در معرض رقابت واقع می‌شود. اگر نگوئیم که واجب بودن رقابت در انجام امور خیر مستلزم واجب بودن رقابت در ابزار اجرایی آن می‌باشد، حداقل استحباب و مطلوبیت چنین مسابقه و رقابت را نمی‌توان انکار

کرد.^۱ نتیجه اینکه رقابت سیاسی در این مورد در دو عرصه کلی معنا می‌یابد و نمود پیدا می‌کند.

۵. چرا در مشارکت و انتخاب مردم بیشتر جنبه تکلیف مورد توجه قرار می‌گیرد و کمتر به جنبه حق بودن آن پرداخته می‌شود؟

پاسخ:

قبل از پاسخ سؤال، لازم است رابطه حق و تکلیف، در مباحث حقوقی شناخته شود تا بتوانیم این مطلب را خوب ارزیابی کنیم.

هر تکلیفی در مقررات حقوقی، ملازم با حقی است که برای دیگران در نظر گرفته شده است و هر حقی نیز برای دیگران تکلیفی را به همراه دارد. از این رو می‌گویند: حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و به یک معنی، دو روی یک سکه‌اند.

وقتی می‌گوییم: کسی حقی دارد به این معنی است که دیگران تکلیف دارند حق او را محترم بشمارند. و نیز اگر گفته شود افراد نباید در مال کسی بدون اذن او تصرف کنند، این بدان معنی است که مالک حق تصرف دارد.

۱. سجادی، سید عبد القیوم، مبانی تحرّج در اندیشه های سیاسی اسلام، پیشین، ص ۱۰۱-۱۰۰.

البته تلازم حق و تکلیف در مقررات حقوقی به دو گونه است:

نخست آنکه هر گاه حقی برای کسی در نظر گرفته شود، طبعاً تکلیفی برای دیگران نیز خواهد بود و بر عکس.

دوم آنکه هر گاه حقوقی برای کسی یا کسانی در نظر گرفته شود طبعاً در ازای آن حقوق و امتیازها، بر همان افراد، یک رشته تکالیفی هم ثابت است و بر عکس.

تلازم به معنی دوم بیشتر مورد بحث ما خواهد بود؛ زیرا چنین نیست که برای شخص یا اشخاصی تنها حقوق و مزایا جعل شود، اما هیچ تکلیفی نداشته باشند. از این رو گفته شده که بسیاری از حقوق اجتماعی افراد در برابر تکالیفی است که بر عهده آنان گذارده شده است و یا بر عکس؛ بنابراین هر تکلیف و مسؤولیتی مستلزم حقی است و هر حقی، تکلیف و مسؤولیتی را به دنبال دارد. طبیعتاً افرادی که توانایی تکلیف‌پذیری را دارند ولی تن به مسؤولیت نمی‌دهند نه تنها حقوق و مزایایی برای آنان نخواهد بود بلکه احیاناً به خاطر عدم پذیرش مسؤولیت مستحق مجازات نیز خواهند بود.^۱

۱. خسروشاهی، قدرت‌الله، دانش پژوه، مصطفی، فلسفه حقوق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۸۰، ص ۲۵-۲۴.

یک مثال در مورد تلازم حق و تکلیف:

در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی آمده است: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف است». یعنی از سویی نگهداری بچه‌ها حق والدین است و از سویی نگهداری و سرپرستی تکلیفی بر عهده پدر و مادر است که هیچ یک از پدر و مادر حق ندارند، از نگهداری کودک خودداری کنند. اما اینکه «حضانة» حق والدین است بدین معناست که کسی حق مزاحمت آنان را نداشته و نمی‌تواند آنان را از نگهداری فرزندشان منع نماید و یا فرزند را از آنها گرفته و جدا نماید و اینکه گفته می‌شود «حضانة» یک تکلیف است بدین معناست که پدر و مادر نمی‌توانند از حضانة یعنی نگهداری و تربیت فرزند خود سرباز زنند لذا در صورت امتناع اجبار خواهند شد. بنابراین حضانة فرزند، هم حق است به نفع پدر و مادر و هم تکلیف است به ضرر آنها و به نفع طفل.^۱

با ذکر این مقدمه روشن می‌گردد که اگر مشارکت مردم در سرنوشت اجتماعی خویش به عنوان ادای تکلیف خواسته شده است، هرگز به معنی نفی حقوق آنها نیست. بلکه در عین حال که دارای حق و امتیاز برای شرکت در سرنوشت خود می‌باشند، دارای تکلیف و مسئولیت نیز می‌باشند، زیرا حق و تکلیف با هم ملازم هستند. و تأکید بر تکلیف بودن آن به جهت مهم

۱. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی (۵) قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ج ۳، ص ۳۲۶.

بودن جنبه تکلیفی آن و بدیهی و روشن بودن حق شرکت در سرنوشت خویش بوده است.

۶. آیا تعدد احزاب در نظام اسلامی موجب تقویت انتخابات و افزایش حضور مردم در آن می‌شود؟

پاسخ:

گسترش احزاب سیاسی به مفهوم نوین آن با توسعه دموکراسی، به معنی شرکت عامه مردم در انتخابات و سهیم شدن آنان در مزایای نظام‌های پارلمانی می‌باشد. بسیاری، وجود احزاب سیاسی را در فرآیند توسعه و انجام انتخابات آزاد و تشکیل مجالس قانون‌گذاری ضروری دانسته‌اند. اینان بر این عقیده‌اند که در حکومت‌های دموکراتیک احزاب سیاسی به منزله ستون فقرات دموکراسی، نقش اساسی در تأثیر گذاری بر افکار عمومی دارند.

یکی از مهم‌ترین ابزارها و مکانیسم‌های موجود در ساختار نظام‌های حکومتی جدید که در فرآیند ایجاد تحولات کیفی در ساختار اجتماعی و روند سیاسی نقش اساسی دارند احزاب هستند. تأکید بر احزاب سیاسی زمانی آشکار می‌شود که بدانیم پیشرفت اقتصادی بدون تغییر و تحول مناسب در نظام سیاسی و اجتماعی، تقریباً محال است.

تعدد احزاب از آن جهت اهمیت دارد که:

اولاً در اثر رقابت مثبت میان احزاب سالم و در

فضای باز سیاسی، بیشترین آزادی برای مردم فراهم می‌شود به طوری که می‌توانند با مطالعه بیشتر، افراد صالحی را انتخاب کنند.

ثانیاً هر حزبی در اصلاح و آموزش اعضای خود تلاش بیشتری می‌کند که مبادا رقیب مقابل، آرای بیشتر به دست آورد و این خود، یکی از ابزارها و وسائل اصلاح جامعه است و شایستگی‌ها و پیشرفت کشور را سبب می‌شود. و جامعه به رشد و بلوغ سیاسی می‌رسد.

بنابراین تعدد احزاب اگر منجر به ایجاد مشارکت بیشتر مردم در انتخابات شده و زمینه رقابت سالم را در میان افراد جامعه فراهم نماید می‌تواند در برگزاری یک انتخابات سالم و مشارکت سازنده نقش مهمی را ایفا نماید، اما در نقطه مقابل اگر تعدد احزاب منجر به دشمنی، تفرقه و تنازع شود به یقین برگزاری انتخابات سالم را به خطر انداخته و میزان مشارکت افراد را کاهش خواهد داد. در هر صورت آنچه مهمتر از تعدد احزاب در برگزاری یک انتخابات سالم است، رعایت اصول رقابت سالم و ایجاد چنین فضایی در جامعه است.

۷. آیا حضور مردم در انتخابات ایران نمایشی است و صرفاً جنبه تبلیغاتی در برابر غربی‌ها دارد؟

الگوی مردم سالاری دینی نظام جمهوری اسلامی و برگزاری منظم انتخابات از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همچون خاری در چشمان برای

دشمنان و بدخواهان نظام قابل تحمل نبوده، از این رو شاهد هجمه گسترده آنها در زیر سؤال بردن مردم سالاری و انتخابات در کشور به بهانه‌های مختلف بوده و هستیم. آزاد نبودن انتخابات و نمایشی توصیف نمودن آن از جمله اتهاماتی است که از سوی آنان همواره مطرح می‌شود.

۱. اگر نمایشی دانستن انتخابات کشور به دلیل اصل نظارت و نظارت شورای نگهبان باشد، چند فرض در این زمینه متصور است.

الف. منظور از انتخابات آزاد و غیر نمایشی، انتخاباتی است که در آن همه افراد بدون در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های خاصی بتوانند به عنوان نامزد انتخابات مطرح شوند.

در این صورت هیچ انتخاباتی را نمی‌توان پیدا کرد که آزاد باشد، زیرا در تمام کشورها و نزد تمامی عقلای عالم برای تصدی مسئولیت‌های مهم، شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود، تا هم وظایف محوله به فرد مورد نظر به درستی انجام پذیرد و هم حقوق و مصالح شهروندان در اثر بی‌کفایتی مسئول برگزیده پایمال نگردد.

ب. انتخاباتی آزاد و غیر نمایشی است که نهاد نظارتی برای تشخیص صلاحیت داوطلبان انتخاباتی و نظارت بر روند انتخابات وجود نداشته باشد.

مشکل این فرض آن است که از آنجا که وجود یک سلسله ویژگی‌ها، شرایط و توانایی‌ها در افراد برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌ها لازم و ضروری است، مرجعی نیز باید وجود داشته باشد که وجود این شرایط را در افراد احراز نماید. بر این اساس، در همه کشورها نهاد خاصی مسئولیت نظارت بر انتخابات و احراز شرایط داوطلبان انتخابات را بر عهده دارد. این نهاد رسمی عهده‌دار بررسی وضعیت و روند اجرای انتخابات و وجود یا عدم شرایط لازم در داوطلبان می‌باشد که در نتیجه به تأیید یا ردّ صلاحیت داوطلبان می‌انجامد.

ج. انتخابی آزاد و غیر نمایشی است که همه افراد حتی مخالفان با اصل آن نظام سیاسی بتوانند خود را به عنوان نامزد معرفی کنند.

اشکال چنین فرضی این است که نتیجه چنین نگاهی نقض غرض از انتخابات و سست شدن پایه‌های نظام سیاسی و اختلال در روند حرکت کشور خواهد بود، چه اینکه معنای شرکت در انتخابات و نامزد شدن برای انتخابات، پذیرش چارچوب‌های حاکم بر آن نظام سیاسی و قواعد پذیرفته شده در آن نظام سیاسی است. کسی که در یک کشور برای عهده‌دار شدن یک مسئولیت داوطلب می‌شود در صورتی که قانون اساسی و چارچوب‌های پذیرفته شده آن کشور را قبول نداشته باشد. چگونه می‌تواند در آن مسئولیت به وظایف خود عمل نماید؟

در تبیین انتخابات آزاد می‌توان گفت:

انتخاباتی آزاد محسوب می‌شود که احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف معتقد به مبانی و چارچوب‌های پذیرفته شده یک نظام سیاسی با سلايق و برنامه‌های گوناگون بتوانند در عرصه انتخابات حضور داشته و نامزدهای خود را معرفی نمایند.

۲. برای اینکه در یک کشور، انتخاباتی به شکل واقعی برگزار شود لازم است، چند نکته در نظر گرفته شود:

الف. حق مردم در رای دادن:

یکی از مهم‌ترین اصولی که آن‌را می‌توان جزء پایه‌های انقلاب اسلامی قرار داد حق مردم در تعیین سرنوشت خود می‌باشد که از جمله نمادهای آن مشارکت مردم در انتخابات می‌باشد. این حق به عنوان یک حق معتبر از سوی رهبران نظام همواره مورد تاکید بوده است؛ به عنوان مثال در اصل ۶ و همچنین در بند ۸ اصل سوم قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قانونگذاران بوده است به گونه‌ای که به این موضوع یعنی دخالت انسان بر سرنوشت خویش و مظاهر آن که از جمله آنها عبارت است از حق رای دادن و انتخاب کردن در قانون اساسی تصریح شده است.

ب. حق مردم در انتخاب شدن:

بر اساس اصول مختلف قانون اساسی، هر فردی

که شرایط و صلاحیت‌های لازم برای تصدی مسئولیتی را دارد حق دارد که خود را در معرض انتخاب دیگران قرار دهد و مردم با اعلام نظر خود در انتخابات، از میان افرادی که صلاحیت لازم را دارا هستند فرد اصلح را انتخاب می‌کنند.

ج. برگزاری انتخابات سالم از طریق ابزارهای کنترلی و نظارتی سالم:

یکی از عواملی که باعث می‌شود تا انتخابات یک کشور از حالت نمایشی بودن خارج شود نظارت دقیق و مؤثر بر انتخابات به منظور برگزاری انتخاباتی سالم و واقعی می‌باشد تا به این ترتیب کسانی که واقعاً مردم به آنها رای داده‌اند، بتوانند زمام امور کشور را در دست بگیرند.

فرایند نظارت در جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که شائبه هرگونه تخلف گسترده و تقلبی را از میان می‌برد و باعث جلب اعتماد مردم به نتایج انتخابات می‌گردد، چرا که حداقل سه لایه نظارتی در انتخابات جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که عبارتند از:

۱. شورای نگهبان ۲. ناظران کاندیداها ۳. علاوه بر این سه لایه، برخی بخش‌ها همچون دادستان کل کشور و نیز دادستان‌های حوزه‌های انتخابی، رئیس صدا و سیما، شورای نظارت بر صدا و سیما، وزارت اطلاعات و... به تناسب نقشی که دارند در این انتخابات

نظارت‌هایی هم دارند.

د. حضور سلايق سياسي مختلف در عرصه انتخابات:

يکي از دلایل واقعي بودن انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، این است که سلايق سياسي مختلف در انتخابات حق حضور و مشارکت فعال دارند.

ه. گردش و تغيير نخبگان و سلايق سياسي مختلف:

يکي ديگر از شواهد عدم نمايشی بودن انتخابات این است که سلايق سياسي مختلف علاوه بر حضور در انتخابات، امکان انتخاب شدن هم داشته باشند و در نتیجه در طول زمان، سلايق سياسي مختلف زمام امور را به دست گیرند به گونه‌ای که به صورت متوالی اکثریت به اقلیت تبدیل و اقلیت به اکثریت تبدیل شود و یا افراد و نیز جریانات خارج از اقلیت و اکثریت امکان حضور در دور رقابتها راه پیدا کنند و حتی بتوانند به بالاترین مناصب رسمی کشور دست پیدا کنند که چنین امری در کشور ما بارها اتفاق افتاده است.

بنابراین، بر خلاف ادعاهای مطرح شده در مورد آزاد نبودن و نمايشی بودن انتخابات در کشور ما. تمامی اصول مردم‌سالاری و نیز شرایط واقعي بودن انتخابات، در آن لحاظ شده و وجود برخی محدودیت‌ها نیز خدشه‌ای در واقعي بودن انتخابات وارد نمی‌کند و گزینه انتخابات حتی در کشورهای غربی هم باید غیر آزاد و نمايشی تلقی شود.

۸. وظیفه و نقش مردم در انتخابات از منظر رهبری چیست؟

پاسخ:

مهمترین وظایف و نقش مردم در انتخابات از نظر رهبری رامی توان در این موارد برشمرد:

۱. حضور پرشور و آگاهانه

«مسأله درجه اول کشور این است که همه واجدین شرایط به صورتی پرشور و آگاهانه در انتخابات شرکت کنند و با فکر و تحقیق به کسانی که تمایل دارند رأی دهند... حضور مردم، اهمیت نقد دارد و کشور را بالفعل بیمه می کند»^۱.

«رأی دادن در انتخابات باید با آگاهی عمیق و شناخت دقیق توأم باشد و هرکسی براساس حجت بین خود و خدا رأی دهد»^۲.

۲. حق و تکلیف شرعی و وظیفه عمومی

«در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه‌ی انتخابِ رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخابهایی که می‌کنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد»^۳.

۱. بیانات در دیدار جهادگران جهاد سازندگی؛ ۱۳۷۷/۷/۱۵.

۲. مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (رض)؛ ۱۳۸۰/۳/۱۴.

۳. همان.

«همه باید شرکت کنند؛ این یک وظیفه است؛ هم وظیفه اسلامی است، هم وظیفه میهنی و ملی است و حفظ عزّت و شوکت کشور به این وابسته است، هم وظیفه سیاسی است - کسانی که فهم و تشخیص سیاسی دارند، وظیفه دارند وارد شوند - هم وظیفه اخلاقی است؛ حقوق مردم اقتضاء می‌کند که در این میدان وارد شوند. کارهایی که باید در این کشور انجام گیرد، اقتضاء می‌کند که انسان در این میدان وارد شود. انتخابات را مغتنم بشمارید و قدر بدانید و در آن شرکت کنید؛ حادثه بسیار مهمی است.»^۱

۳. حضور حداکثری

«در زمینه مشارکت مردم، هر طور که می‌توانید، روی خانواده‌ها و دوستانتان کار کنید. مشارکت، یکی از اساسی‌ترین مسائل است. حضور مردم برای پیشرفت و صیانت کشور لازم است. نه این‌که اگر عده‌ی زیادی شرکت نکردند، اینها به نظام «نه» گفته‌اند؛ به هیچ وجه این طوری نیست. آنهایی که به خاطر «نه» گفتن به نظام نمی‌آیند، درصد خیلی کمی‌اند. یک عده به خاطر بی‌حالی نمی‌آیند؛ یک عده به خاطر بی‌حوصلگی نمی‌آیند؛ یک عده روز جمعه کار دیگری دارند و نمی‌آیند؛ اینها را شما راه بیندازید. والا کسانی که معتقد به نظام و قانون اساسی نیستند و دلشان برای بیگانگان و نفوذ

۱. نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۰/۲/۲۸.

آنها پر می‌زند و منتظر آمدن بیگانگان هستند، درصد بسیار کمی‌اند. خیلی‌ها ممکن است پای صندوق‌ها نیایند؛ به خاطر این‌که حوصله‌اش را ندارند، وقتش را ندارند، درست اهمیت قضیه را نمی‌دانند، متوجه تأثیر رأی خودشان نیستند یا به کسی که به او اطمینان و اعتماد کنند، نرسیده‌اند؛ یا کسی را هم که شناخته‌اند، نپسندیده‌اند؛ لذا نمی‌آیند. تلاش شما باید این باشد که مشارکت را به معنای حقیقی کلمه حداکثری کنید»^۱.

۴. تحکیم مردم‌سالاری دینی

«انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست. یکی از پایه‌های نظام ما، همین انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمیشود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد؛ این هم جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است... انتخابات سرمایه‌گذاری عظیم ملت ایران است... هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال می‌شوند. عظمت

۱. بیانات در دیدار هزاران نفر از دانشجویان بسیجی؛ ۱۳۸۴/۳/۵.

ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان می‌دهد؛
انتخابات این است»^۱.

۵. تثبیت اقتدار ملی

«انتخابات، مظهر اقتدار ملی است. اگر ملت عزیز
ایران بتواند در این انتخابات، آرای فراوان خود را به
میدان آورد و حضور مردمی، حضور چشمگیری باشد،
این بزرگترین مظهر اقتدار و عزت ملی است»^۲.

«حضور مردم در انتخابات، یکی از مهمترین مظاهر
اقتدار ملی است...البته سلايق مردم مختلف است؛
نامزدها هم متعدّدند؛ هرکدام از آنها هم سلیقه و نظری
دارند و مردم هم به یک نفر رأی می‌دهند؛ این مسأله
بعدی است. مسأله اول این است که همه در این
آزمون عمومی ملت ایران شرکت کنند و نشان دهند که
ملت ایران زنده است و به سرنوشت کشورش علاقه
دارد»^۳.

۶. انتخاب اصلح

«حقاً و انصافاً جا دارد که آحاد مردم نسبت به این
قضیه احساس مسؤولیت کنند..افرادی که از تأیید
شورای نگهبان عبور کرده‌اند، قانوناً صالحند. البته
صلاحیتها یک اندازه نیست؛ صالح داریم، اصلح داریم؛

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۸۸/۷/۱.

۲. بیانات در حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۸۰/۷/۱.

۳. نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۰/۲/۲۸.

تشخیص‌ها مختلف است؛ یکی چیزی را ملاک قرار می‌دهد و کسی را اصلح می‌داند و کسی چیز دیگر را ملاک قرار می‌دهد. اشکالی ندارد؛ اینها نباید موجب اختلاف شود»^۱.

«مردم باید به فکر شناخت اصلح باشند؛ چون امر کوچکی نیست. مسأله انتخابات، مسأله‌ی سپردن سرنوشت بخش عمده‌ی امکانات کشور به یک نفر و یک مجموعه است. سرنوشت مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی، روابط خارجی و مسائل گوناگون دیگر تا حدود زیادی به این قضیه وابسته است»^۲.

۷. پرهیز از کدورت بیجا در انتخابات

«ممکن است تشخیص یک آقائی با تشخیص یک آقای دیگر مخالف باشد؛ هیچ اشکالی ندارد. این را من به همه بگویم: ممکن است شما به یکی از نامزدها علاقه‌مند شوید، رفیق‌تان به یک نامزد دیگر؛ این موجب نشود که شما در مقابل هم قرار بگیرید... آحاد مردم با هم کدورت بیجا درست نکنند، به خاطر اینکه این به آن علاقه‌مند است، این به آن علاقه‌مند است؛ خوب، باشند»^۳.

۱. همان.

۲. بیانات دردیدار جمعی از مردم گیلان؛ ۱۳۸۰/۲/۱۱.

۳. بیانات دردانشگاه امام حسین علیه السلام؛ ۱۳۹۲/۳/۶.

۸. اعتنا نکردن به القائنات نامیدکننده

«دشمن کار خودش را دارد می‌کند؛ علیه کسی، علیه کسانی، و بیشتر از همه علیه خود انقلاب و نظام و انتخابات لجن‌پراکنی می‌کند. البته حنجره‌های بی تقوایی هم در داخل وجود دارد. در داخل، متأسفانه زبانهای بی تقوا، قلمهای بی تقوا و حنجره‌های بی تقوایی هستند که همان حرفهای دشمن را که به قصد نومید کردن و افسرده کردن مردم گفته می‌شود، تکرار می‌کنند؛ آحاد مردم به اینها نباید اعتنائی کنند. فردای این ملت، فردای روشنی است. فردای این انقلاب، فردای عزتمدارانه‌ای است. فردای این کشور و این ملت، فردائی است که ان‌شاءالله به توفیق الهی برای همه‌الگو خواهد شد»^۱.

۹. حضور به وقت در انتخابات

«شرکت در انتخابات، یک عمل صالح است؛ این عمل صالح را باید با شوق و بوقت انجام داد. بسیاری از کارها هست که زمان آن در یک برهه خاص است... امروز اگر ما ایرانی‌ها اقدام به انتخاب کردیم، امکانی را برای خود و کشورمان به وجود آورده‌ایم. اگر من ایرانی امروز این عمل صالح را انجام ندهم، این طور نیست که فردا یا پنج روز دیگر یا ده روز دیگر بشود این را انجام داد؛ نه، تا چهار سال دیگر این عمل صالح قابل انجام دادن نیست»^۲.

۱. همان.

۲. مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری؛ ۱۳۸۴/۳/۲۷.



ضرورت و اهمیت انتخابات

۱. انتخابات چه فائده‌ای دارد و حضور در آن چه ضرورتی دارد؟

انتخابات امروزه به عنوان مهم‌ترین نماد مردم‌سالاری و اعمال حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش شناخته می‌شود. در ضرورت اصل وجود انتخابات و کارکردهای مثبت و مفید آن در وضعیت کنونی جهان هیچ شک و تردیدی وجود ندارد، با این حال در کشور ما برخی افراد، در مورد ضرورت یا اهمیت مشارکت مردم در انتخابات، تردیدهایی را مطرح می‌کنند که ریشه‌های آن عمدتاً به مسائل دیگری باز می‌گردد مانند کارنامه ضعیف برخی مسئولان منتخب، چنانکه گاهی نیز این نارضایتی‌ها ریشه در تبلیغات منفی دشمنان نظام دارد که اگر این تردیدها از طریق تبیین درست ضرورت‌های مشارکت در انتخابات رفع شوند، آمار مشارکت نیز به مراتب بالا خواهد رفت.

دلایلی که بیانگر ضرورت مشارکت فعال در انتخابات می باشد، عبارتند از:

۱. وجوب شرعی مشارکت در انتخابات

نظام جمهوری اسلامی ایران، تنها نظامی است که پس از هزار و چهارصد و اندی سال، پرچم اسلام ناب را در دنیا برافراشته و حکومتی را ایجاد کرده است که در کنار عنصر مقبولیت، واجد عنصر مشروعیت که ریشه در شرع مقدس اسلام دارد، می باشد، به همین دلیل این نظام همواره مورد تایید جامعه دینی کشور و به ویژه علما و مراجع حوزه های علمیه بوده است، چنانکه اصل تشکیل آن نیز مرهون تلاش ها و رهبری های خردمندانه یکی از فرزندان حوزه علم و اجتهاد یعنی امام خمینی رحمة الله علیه و مشارکت روحانیت آگاه و فعال بوده است و در نتیجه حمایت از چنین نظامی که زمینه ساز اجرای احکام اسلامی می باشد بر همگان لازم و ضروری است، از طرفی یکی از اموری که به تقویت، دوام و استمرار این نظام الهی کمک می کند مشارکت فعالانه در انتخابات های مختلف است و به همین دلیل مراجع معظم تقلید، علاوه بر اینکه خود در انتخابات های مختلف نظام مشارکت می کنند، همواره مردم را نیز به مشارکت فعالانه دعوت کرده و این امر را به عنوان یک وظیفه شرعی قلمداد نموده اند.

۲. انتخابات به مثابه حق

مشارکت در انتخابات و تعیین سرنوشت در هر

نظامی علاوه بر جنبه‌های شرعی که دارد، به عنوان یک حق نیز قلمداد می‌گردد؛ حقی که در همه جوامع و مکاتب بشری به عنوان فضیلت و ارزش شناخته می‌شود و با عناوینی همچون «حق انتخابگری»، «حق مشارکت در تعیین سرنوشت» و... شناخته می‌شود، از طرفی ویژگی هر حقی این است که صاحب حق باید از آن دفاع کرده و در پی احقاق و عملی ساختن و یا به اصطلاحی علمی‌تر «استیفای آن باشد؛ یعنی باید تمام حق خود را مطالبه نماید و هر گونه بی‌اعتنایی نسبت به آن اقدامی نارواست که به از بین رفتن حق، منجر خواهد شد. بر این اساس مشارکت در انتخابات علاوه بر جنبه‌های شرعی، گامی در راستای مطالبه و دفاع از حق مسلمی است که هر ایرانی دارد و به همین دلیل برای مشارکت در انتخابات ضرورتی فراتر از تکلیف شرعی وجود دارد که باعث می‌شود تا ضرورت داشته باشد هر ایرانی و لو اینکه کاری با تقلید و تکلیف شرعی نداشته باشد و یا اساساً غیر مسلمان باشد و یا هیچ تعلق خاطری به نظام جمهوری اسلامی نداشته باشد نیز در انتخابات مشارکت نماید.

۳. تقویت امنیت ملی از طریق تقویت مقبولیت نظام

یکی از تجلی گاه‌های مقبولیت مردمی نظام عبارت است از انتخابات که طی آن هر چه میزان مشارکت مردم در انتخابات بالاتر باشد، نشان دهنده مقبولیت بالای آن نظام خواهد بود و به همین تناسب با بالا رفتن

میزان مقبولیت نظام، جایگاه امنیت ملی نیز تقویت خواهد شد. این مساله به ویژه در شرایط کنونی که امنیت، به اصلی‌ترین دغدغه جهانیان تبدیل شده است و پیرامون کشور ما رانیز موجی از ناامنی‌های ملی فراگرفته است بیش از هر زمان دیگری باید مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین با چنین نگاهی می‌توان دریافت حتی اگر افرادی به لحاظ برخی مسائل دل خوشی از برخی نهادهای منتخب همچون مجلس شورای اسلامی و یا شورای اسلامی و... نداشته باشند باز هم به خاطر تامین امنیت ملی خود باید در این انتخابات مشارکت نمایند.

۴. جلوگیری از دخالت بیگانگان

امروزه به دلیل شکل گرفتن نهادهای بین‌المللی که اکثریت قریب به اتفاق کشورها عضو آن شده‌اند و با توجه به زمینه‌هایی که برای نفوذ و دخالت قدرت‌ها در امور داخلی کشورهای دیگر به بهانه‌های مختلف از جمله موضوع نقض حقوق بشر وجود دارد، برخی قدرت‌ها تلاش می‌کنند تا از همین دستاویزها استفاده نموده و در امور داخلی کشورهای مستقل از جمله جمهوری اسلامی ایران دخالت نمایند، از طرفی دیگر برای بهره‌گیری از این اهرم و ابزار لازم است در این کشورها شرایط و زمینه به گونه‌ای فراهم شود که بهانه برای دخالت قدرت‌ها فراهم گردد که یکی از این

بهانه‌ها نقض فراگیر حقوق مردم می‌باشد و نشانه آن هم عدم نقش آفرینی مردم در تعیین سرنوشت خویش می‌باشد، با این حال اگر موضوع به گونه دیگری شود و مردم در صحنه‌های مختلفی که به نوعی باعث تقویت مقبولیت نظام می‌گردد، مشارکت نمایند. در آن صورت بهانه برای چنین مداخله‌ای از بین خواهد رفت و در صورتی که با وجود جلوه‌های تجلی مقبولیت مردمی نظام، برخی قدرت‌ها همچنان اصرار بر مداخله به این بهانه داشته باشند صرفاً اعتبار خودشان از بین خواهد رفت.

۵. شکل‌گیری نهادهای قوی و کارآمد

یکی از دلایلی که باعث دلسرد شدن مردم از حضور در عرصه‌هایی همچون انتخابات می‌شود عملکرد نامناسب منتخبان و نیز ناکارآمدی نهادهایی است که به صورت انتخابی شکل یافته‌اند و اکثریت نهادهای کشور را شامل می‌شود، با این حال راهکار مقابله با چنین معضلی قطعاً قهر کردن از صندوق‌های رای نمی‌باشد؛ چرا که این نهادها در هر صورت شکل خواهند گرفت و افرادی سکاندار این نهادها خواهند شد که تصمیم و نظرشان به صورت مستقیم و غیر مستقیم تک تک افراد جامعه را تحت تاثیر خویش قرار خواهد داد؛ از این روی بهترین راهکاری که در مواجهه با چنین وضعیتی می‌تواند وجود داشته باشد این است که با مشارکت فعالانه از یک سو و انتخاب ناشی

از بصیرت و آگاهی و نه احساسات محض، از سوی دیگر بهترین گزینه‌ها انتخاب شوند تا در نهایت نهادهای قوی و کارآمد که دغدغه اصلی شان، حل مشکلات مردم باشد، شکل گیرد.

۶. رشد رونق اقتصادی با تقویت ثبات، امنیت و اقتدار نظام اسلامی

رونق اقتصادی در هر کشوری به مولفه‌های مختلفی بستگی دارد که در رأس آنها وجود نهادهای کارآمد در داخل کشور و نیز امنیت همه جانبه قرار می‌گیرد که در این میان شاید امنیت، حرف اول را بزند؛ حضور و مشارکت آگاهانه مردم در انتخابات‌های مختلف نظام، منجر به شکل‌گیری نهادهای قوی و کارآمد از یک سو و تامین امنیت همه جانبه از سوی دیگر می‌شود و همین دو مساله، زمینه‌های رشد اقتصادی هر چه بیشتر را فراهم می‌سازد که نفع آن به عموم مردم و کشور باز می‌گردد.

۷. امکان اجرای کارآمد سیاست‌های کلان نظام و طرح‌های مرتبط با پیشرفت کشور بر اساس الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت

کشور ما کشوری نهادمند است که در آن هر یک از نهادها به وظایف و مسئولیت‌های خویش عمل کرده و در قبال وظیفه، مسئولیت، توان و امکانی که دارد نیز باید پاسخگو باشد؛ بر این اساس مسئولیت مهمی که بر عهده رهبر معظم انقلاب گذاشته شده

است امور چندی است که در راس آنها باید به سیاست گذاری کلان نظام جمهوری اسلامی ایران و هدایت و راهبری مسیر انقلاب در حالت کلی و کلان آن اشاره کرد، از طرفی تجربه نیز نشان داده است که هر گاه این سیاست گذاری‌ها به صورت دقیق مورد اجرا قرار گرفته است کشور شاهد رشد و بالندگی هر چه بیشتر شده است؛ با تمام این احوال اجرای دقیق و کارآمد این سیاست گذاری‌ها، مستلزم وجود بسترها و نهادهایی است که عمده آنها منتخبان مردم هستند و اگر خدای نکرده مردم با عدم مشارکت در انتخابات و یا انتخاب بر اساس ملاک‌های نادرست چنین نهادهایی را به درستی شکل ندهند، این سیاست‌ها و طرح‌ها نیز در عمل به طور کامل اجرایی نخواهد شد.

۲. گفته شده مشکلات به خاطر این است که مردم درست رای ندادند، چرا رای بدهند، وقتی کاندیدها مثل هم هستند و همه چیز دست رهبر است؟

پاسخ:

۱. این که رهبری، رهبری کشور را بر عهده دارند، بدان معنا نیست که همه چیز دست ایشان است و هر کاری بخواهند بتوانند انجام دهند. ساختار سیاسی و قانون اساسی این گونه تنظیم نشده است و مسئولیت‌ها در آن مشخص بوده و اختیارات و مسئولیت‌های رهبری با توجه به قانون اساسی به سیاست‌های کلان

و جهت‌گیری کلان کشور بر می‌گردد. رهبری مدیریت کلان و راهبری کشور هستند نه مدیریت اجرایی که انتظار حل مشکلات از سوی ایشان و ورود در همه مسائل کشور را داشته باشیم.

ایشان در این سال‌هایی که مسئولیت رهبری را برعهده داشته‌اند، همواره خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کلان در اداره کشور و اولویت‌ها و نیازها را تبیین نموده‌اند. حل مشکلات اقتصادی و معیشتی و مقابله با فساد از مطالبات و دغدغه‌های همیشگی ایشان از مسئولان بوده است. اینکه مسئولان نتوانسته‌اند مشکلات را برطرف نمایند، را نباید بر عهده رهبری بگذاریم. ورود رهبری در همه مسائل ریز و کلان کشور بدون توجه به مسئولیت‌ها و وظایف مشخص شده قانونی، اولاً؛ با توجه به گستردگی مسائل کشور امکان‌پذیر نیست، ثانیاً؛ نظام و رهبری را متهم به نادیده گرفتن نقش مردم و دیکتاتوری خواهد کرد. اساساً ورود مستقیم رهبری در این مسائل موجب برخی بهانه‌جویی‌هایی خواهد بود که بگویند؛ ما در حیطه مسئولیت خود مسلوب اختیار هستیم، از این روی نمی‌توانیم پاسخگو باشیم.

۲. شرکت در انتخابات و انتخاب افراد اصلح و توانمند و دلسوز و انقلاب قطعاً در کاهش مشکلات کشور و تحقق اهداف نظام مؤثر است. انتخابات

مجلس و دولت نشان داد که همه مثل هم نیستند و تفاوت در انتخاب را شاهد بودیم.

مجلس یازدهم با وجود همه ضعف‌ها و اشکال‌ها، بسیار فعال‌تر، جدی‌تر، دغدغه‌مندتر نسبت به دوره قبل مجلس بوده و تحرک و پویای آن محسوس است. در دولت نیز، شاهد تحول زیادی در دولت کنونی نسبت به دولت قبل هستیم. البته این به معنای نادیده گرفتن ضعف‌ها و اشکال‌های دولت کنونی نیست. بنابراین، انتخابات اثر دارد و نمی‌توانیم بگوییم انتخابات فایده‌ای ندارد و همه مثل هم هستند.

۳. تأثیرگذاری دشمن در انتخابات ایران چگونه می‌تواند باشد؟

پاسخ:

تداوم دشمنی دشمنان انقلاب اسلامی در طول حیات نظام جمهوری اسلامی تا به امروز در عرصه‌ها و اشکال مختلف و حجم گسترده تبلیغات رسانه‌ای علیه انقلاب اسلامی از یکسو و نفوذ و بازتاب‌های انقلاب اسلامی و تأثیرگذاری آن در تحولات منطقه از سوی دیگر، جایی برای تردید در دشمنی آنان با نظام را باقی نمی‌گذارد و غفلت از دشمنی دشمنان از دشمنی آنان نخواهد کاست و نوعی خود فریفتگی محسوب می‌گردد و چه زیبا امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

«مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ!» کسی که بخوابد از او غفلت نمی‌شود».

از این رو صحنه انتخابات آوردگاهی است که دشمنان نظام برای پیشبرد اهداف خود و ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی از آن استفاده خواهند نمود و بی‌تردید شناسایی برنامه‌ها و شگردهای دشمن در انتخابات پیش رو، نقش مهمی در مقابله با آنها و خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان و افزایش آگاهی و بصیرت مردم خواهد داشت. به ویژه آنکه امروزه با فراگیر شدن فضای مجازی و گسترش و دسترسی آسان به شبکه‌های اجتماعی و میزان اثرگذاری و ظریب نفوذ آن و قابلیت کنترل، هدایت و جهت دهی افکار عمومی، این فضا به صحنه اصلی فعالیت و برنامه ریزی دشمنان برای نفوذ و تغییر هویت دینی و انقلابی مردم تبدیل شده است به ویژه آنکه متأسفانه کنترل و نظارت لازم و مناسبی نسبت به این شبکه‌ها وجود ندارد و این شبکه‌ها به آرامی و به صورت خزنده در حال تغییر افکار و باورهای جامعه در راستای اهداف خویش هستند.

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۵۹۷.

نگاهی گذرا به مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های دشمن برای تأثیر گذاری بر انتخابات پیش رو

۱. ایجاد یأس و ناامیدی و دلسرد کردن مردم:

از برنامه‌های اصلی دشمنان در مقابله با نظام جمهوری اسلامی در عرصه انتخابات، ایجاد یأس و ناامیدی و دلسرد کردن مردم از حضور در صحنه انتخابات و بی رونق کردن آن است. دشمنان نظام اسلامی که دریافته اند، نمی‌توانند مانع اصل برگزاری انتخابات شوند، تلاش می‌کنند تا با اقدامات و راهکارهای گوناگون، مردم را دچار یأس و ناامیدی کنند و انگیزه مردم را برای حضور در میدان انتخابات کاهش دهند و انتخابات را از شور و رونق لازم بیاندازند و بدین ترتیب چهره مردم سالارانه نظام را مخدوش نمایند.

۲. کاستن از اهمیت انتخابات و بی اثر نشان دادن آن در حلّ

مشکلات کشور:

یکی از شگردهای دشمنان نظام در راستای تأثیرگذاری بر انتخابات، کم اهمیت جلوه دادن انتخابات و القای بی‌تأثیر بودن آن در حلّ مشکلات کشور است. دشمنان با تمرکز بر مشکلات و سیاه نمایی وضعیت کشور به دنبال این هستند که چنین وا نمود کنند که حضور مردم در انتخابات تأثیری در برطرف نمودن مشکلات کشور به ویژه مشکلات اقتصادی، تورم و گرانی نداشته و شرکت در انتخابات کمکی به بهبود شرایط کشور نمی‌کند و هر فردی که

به عنوان رییس جمهور یه نماینده مجلس انتخاب شود وضعیت کشور همین است و تغییر چندانی در شرایط کشور ایجاد نخواهد شد و بدین ترتیب از حضور حماسی و مشارکت حداکثری مردم جلوگیری نمایند و نظام را ناکارآمد و فاقد پشتوانه مردمی نشان دهند.

۳. القای نمایشی بودن انتخابات و تشکیک در سلامت و آزادی انتخابات:

نمایشی نشان دادن انتخابات و زیر سؤال بردن سلامت و آزادی انتخابات از شگردهای دشمن برای تأثیرگذاری بر انتخابات و کمرنگ نمودن حضور مردم است. گاه دشمنان چنین وانمود می‌کنند که انتخابات در جمهوری اسلامی نمایشی بوده و نتایج انتخابات از پیش تعیین شده است و متأسفانه بعضی نیز در داخل دانسته یا نادانسته همین خط فکر القایی دشمن را دنبال می‌کنند؛ در حالی که روند انتخابات در کشور ما و شفافیت آن و نتایج انتخابات در دوره‌های گذشته و تکاپوی دشمنان برای بی‌اثر کردن انتخابات به خوبی نادرست بودن این ادعا را ثابت می‌کند. به راستی اگر انتخابات در کشور ما نمایشی است چرا با نزدیک شدن انتخابات، دشمنان نظام با استفاده از پوشش رسانه‌ای گسترده خویش به دنبال تأثیرگذاری بر مردم و کمرنگ نمودن حضور آنان در صحنه انتخابات هستند.

۴. دامن زدن به اختلافات و ملتهب کردن فضای سیاسی و

ایجاد فضای دو قطبی در جامعه:

رقابت‌های انتخاباتی فرصت و زمینه مناسبی را در تأثیر گذاری بر روند انتخابات برای دشمنان و بدخواهان نظام جمهوری اسلامی فراهم می‌کند تا با ایجاد فضای تنش و اختلاف افکنی و جنجال آفرینی و ملتهب نمودن فضای سیاسی کشور و شکاف در میان افراد جامعه، از شکل‌گیری فضای رقابت و شور و نشاط سالم در صحنه رقابت‌های انتخاباتی جلوگیری نمایند و با حاکمیت احساسات و هیجان‌های کاذب و فاصله گرفتن از فضای منطقی و عقلانی و رو در رو قرار دادن جریان‌های سیاسی کشور و مردم با یکدیگر و سوء استفاده از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و تبدیل آن به اختلاف‌های اساسی، مردم را درگیر جنجال‌ها و اختلاف‌های فرسایشی کنند و فضای دو قطبی در جامعه ایجاد کرده و بدین وسیله وحدت و انسجام و همدلی میان مردم را از بین ببرند.

۵. حاشیه سازی و پررنگ نمودن مسایل فرعی:

از دیگر شگردهای دشمنان برای تأثیرگذاری بر انتخابات، می‌تواند حاشیه سازی و پررنگ نمودن مسایل فرعی و کم توجهی به مسایل اصلی و محوری کشور باشد. برنامه دشمن این است که بجای پیگیری مسایل کلان و اصلی کشور که حرکت در مسیر گفتمان ارزشی امام و انقلاب اسلامی، تحقق عدالت، تحقق

اقتصاد مقاومتی و حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و مبارزه با فساد و تبعیض و بیکاری است، مردم را به مسایل فرعی و جزئی سرگرم نموده و بدین ترتیب ملاک‌های اصلی انتخاب مردم را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به اینکه امروز جنگ اصلی دشمن با نظام جمهوری اسلامی یک جنگ تمام عیار اقتصادی با هدف فشار و به زانو در آوردن مردم و شکستن مقاومت و ایستادگی آنان است، مردم باید با هوشیاری کامل اولویت‌های کشور را درک کرده و نامزدی که بهترین و کارآمدترین برنامه‌ها را به منظور تحقق این اهداف ارائه می‌دهد برگزینند.

۶. تلاش برای مرعوب ساختن مردم:

دشمنان نظام جمهوری اسلامی که با هدف خسته کردن مردم و یأس و ناامیدی در پیگیری اهداف و جدا نمودن آنان از نظام جمهوری اسلامی، به تشدید فشارها و تحریم‌ها بر علیه کشورمان رو آورده‌اند، با برنامه‌ریزی در زمان انتخابات و فضا سازی و جنجال رسانه‌ای تلاش می‌کنند مردم را با تهدیدهای خود مرعوب سازند تا از شرکت در انتخابات منصرف شوند و بدین وسیله پشتوانه مردمی نظام را تضعیف نمایند و الگوی مردم سالاری دینی را ناکارآمد جلوه دهند.

۷. فضا سازی تبلیغاتی و جنگ رسانه‌ای و هدایت شبکه‌های

اجتماعی:

امروزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با توجه به گستره نفوذ، فراگیری و میزان اثر گذاری در میان افراد جامعه به ویژه نسل جوان، بی‌تردید یکی از بسترهای مناسب برای پیشبرد اهداف دشمنان نظام و تأثیر گذاری آنان بر انتخابات است و دشمنان نظام از طریق فضا سازی تبلیغاتی، کنترل، تأثیر گذاری و هدایت و جهت دهی محسوس و نامحسوس به شبکه‌های اجتماعی می‌توانند افکار عمومی را در راستای اهداف مورد نظر خویش سوق دهند و برنامه‌های خود را پیش ببرند.

به راه انداختن موج عملیات روانی، جو سازی، دامن زدن به اختلافات و ایجاد دو دستگی میان نیروها و جریان‌های ارزشی و انقلابی، تخریب نیروهای انقلابی و کارآمد، شایعه پراکنی و انتشار گسترده اخبار دروغ و بی اساس و... گوشه‌ای از شگردهای دشمنان برای تأثیر گذاری بر انتخابات در این فضا است.

۴. آیا شرکت در انتخابات و رأی دادن کار دینی و

عبادت است؟

پاسخ:

دین به مسائل فردی و عبادی محدود نبوده و مسائل اجتماعی سیاسی را نیز در بر می‌گیرد و دینداری و عبادت نیز علاوه بر انجام مسئولیت‌های

فردی، شامل مسائل اجتماعی سیاسی می‌شود.

از دیدگاه اسلام، دین مجموعه به هم پیوسته‌ای از باورها و اندیشه‌های برگرفته از وحی الهی در رابطه با جهان، انسان و جهان پس از مرگ است که هدف آن هدایت انسان به سوی روشی بهتر زیستن و کامل تر شدن است.

اساساً در بینش توحیدی اسلام هیچگاه دنیا و آخرت در برابر یکدیگر قرار ندارند تا رفتارهای مربوط به جنبه‌های دنیایی زندگی انسان‌ها را بتوان از مسایل عبادی و معنوی جدا کرد از این رو حضرت امام فرمودند: «والله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرّفی کرده‌اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد»^۱.

«اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیر توحیدی در تمام شؤون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و نظامی دخالت و نظارت دارد. از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذاری نکرده است»^۲.

از این جهت، بی تردید انتخابات به عنوان یکی از زمینه‌های تثبیت و استحکام نظام دینی و عملی که دشمنان اسلام را مأیوس می‌نماید، از مصادیق عبادت و عمل صالح محسوب می‌گردد.

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۰۳-۴۰۲.

۵. بعضی به دلیل وجود برخی مشکلات در انتخابات شرکت نمی‌کنند، چگونه می‌توان آنها را توجیه کرد؟

پاسخ:

افرادی که در انتخابات شرکت نمی‌کنند، در قالب سه گروه قابل ارزیابی‌اند:

۱. عده‌ای بر اثر مخالفت با نظام، هرگونه عملی که موجب تقویت نظام شود را نفی می‌کنند و از آنجایی که انتخابات نیز موجب مشروعیت بخشی به نظام کنونی خواهد شد، طبیعتاً در آن شرکت نمی‌کنند.

۲. عده‌ای نیز بر اثر تبلیغات سوء شرکت نمی‌کنند که عدم شرکتشان، نه به خاطر مخالفت با نظام، بلکه تحت تأثیر تبلیغات منفی گروه اول می‌باشد.

۳. گروه سوم نیز بر اساس بی‌توجهی و شاید هم ناآگاهی سیاسی در انتخابات شرکت نمی‌کنند؛ چون به اهمیت این شرکت واقف نیستند.

بی‌تفاوتی سیاسی:

پدیده «بی‌تفاوتی سیاسی» در مقابل «مشارکت سیاسی» مطرح می‌شود. در مورد علل پیدایش این نوع بی‌تفاوتی، بحث گسترده‌ای وجود دارد که بیشتر در روانشناسی سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد.

عوامل مؤثر در ایجاد یا رفع بی‌تفاوتی سیاسی

در مجموع، سه دسته عوامل روانشناسانه،

اقتصادی- اجتماعی و سیاسی در پیدایش این وضعیت مؤثرند.

۱. از نظر روانشناسی مشاهده شده که در شرایطی که افسردگی، احساس یأس و احساس تنهایی در میان عامه مردم یا بخش‌هایی از آن‌ها گسترش پیدا کند، عزت سیاسی و بی‌تفاوتی سیاسی نیز پدید می‌آید.

۲. در خصوص عوامل اقتصادی و اجتماعی، معمولاً مشاهده شده که افزایش میزان آموزش، بالا رفتن آگاهی‌های سیاسی، افزایش ثروت و شهرنشینی و بالاخره افزایش دسترسی به ارتباطات، میزان بی‌تفاوتی سیاسی را کاهش می‌دهد.

۳. از نظر سیاسی نیز معمولاً در رژیم‌هایی که مشارکت سیاسی تشویق نمی‌شود و با تشکیل گروه‌ها و نهادهای مستقل مخالفت می‌شود، مشارکت سیاسی نیز محدود است.^۱

با توجه به نکات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که علت اصلی کناره‌گیری بخشی از مردم، بی‌تفاوتی سیاسی است که این بی‌تفاوتی، محصول عوامل روانی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد. با این حال، می‌توان بخشی از همین مخالفین را با استدلال، راضی به شرکت در انتخابات کرد.

۱. انتخابات ریاست جمهوری؛ مظهر اقتدار ملی، گروه تحقیق دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۸۰، صص ۲۱-۲۳.

نحوه برخورد صحیح با افرادی که درگیر پدیده بی‌تفاوتی سیاسی هستند:

اول:

ابتداء باید این گونه افراد را با ادله صحیح، قانع کرد که منکر برخی بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها در سطوح جامعه نیستیم، اما باید توجه داشت که این تبعیض‌ها در نظام اسلامی یک امر ناخواسته و تحمیلی است که باید با آن برخورد شود. علت اصلی شکل‌گیری نظامی به نام «جمهوری اسلامی ایران» ایجاد و اجرای عدالت است. حال اگر در برخی سطوح جامعه ما، برخی از مدیران تبعیضات ناروایی را اعمال می‌کنند، این مسئله را نباید به تمام ارکان نظام تسری داد.

دوم:

در مرحله بعد باید به این گونه افراد گفت که بر فرض هم ایرداتی بر حکومت وارد باشد؛ تبعیض در آن وجود داشته باشد؛ آیا این امر موجب خواهد شد تا از حق قانونی و ملی خود که همانا شرکت در انتخابات و استیفای حقوق خود است، بگذریم؟! اصلاً در یک جامعه‌ای - بر فرض - تبعیض وجود داشته باشد، در این صورت شرکت در انتخابات امری لازم است چرا که می‌توانیم با انتخاب انسان‌های شایسته، مدیران ناصالح و غیر متعهد را کنار بزنیم و حکومت شایسته‌ای را بر روی کار آوریم. آیا با کناره‌گیری از انتخابات و با شرکت نکردن در انتخابات، مشکلات حکومت حل می‌شود؟!

آیا با عدم حضور ما در صحنه، آن عده از مدیران ناصالح با دلگرمی بیشتر، به تبعیض‌های ناروای خود ادامه نخواهند داد؟

سوم:

باید به آن‌هایی که به بهانه‌های مختلف در انتخابات شرکت نمی‌کنند، متذکر شد که شرکت در انتخابات یک حق و یک وظیفه ملی و اسلامی است و بی‌تفاوتی در مقابل این حق، جفای به اسلام و کشور است.

چهارم:

باید از منظر «شرعی» به آنان خاطر نشان کرد که شرکت در انتخابات یک امر شرعی و دینی است و شرکت نکردن در آن حرام است. این سخن را می‌توان با استناد به کلام برخی از بزرگان بیان نمود. به عنوان نمونه حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ معتقدند که: «باید همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف، همان طور که باید نماز بخواند، همان طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند»^۱.

پنجم:

یک جهت قضیه هم به خود مسئولین و همه دلسوزان نظام برمی‌گردد. اگر فضای کشور در آستانه هر انتخاباتی، سالم و رقابتی باشد و اگر این فضا، آرام و دلنشین باشد و مردم هم احساس کنند که رأی آنان

۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

نافذ و مؤثر است، قطعاً بسیاری از مردم به سمت شرکت در انتخابات تشویق خواهند شد. بی گمان هروقت فضای کشور در آستانه انتخابات، سالم و غیر مسموم باشد، رغبت مردم برای شرکت در این امر مهم بیش از پیش خواهد بود.

اما باید دانست برخی هم که از اساس با این نظام مخالفند و با هرگونه عمل که موجب تقویت و تحکیم و نظام جمهوری اسلامی شود، مخالفند با هیچ استدلال و منطقی، راضی به شرکت در انتخابات نخواهند شد و طبیعتاً بحث و مناظره با این گونه افراد، غیر مؤثر و بیهوده است.

۶. چه موانعی برای مشارکت مردم در انتخابات وجود دارد و راه حل چیست؟

پاسخ:

عوامل کاهش مشارکت و موانع آن:

موانعی که به طور معمول از اجرای انتخابات پر شور و با مشارکت حداکثری، جلوگیری می‌کند به دو قسم موانع درونی و موانع بیرونی قابل تقسیم هستند.

موانع درونی:

از عمده‌ترین موانع درونی مشارکت مردم می‌توان به این موارد اشاره کرد.

۱. دلسرد کردن مردم:

از جمله موانع درونی شرکت مردم در انتخابات، دلسرد کردن مردم می‌باشد. یکی از نقشه‌های حساب شده دشمنان خارجی و داخلی، دلسرد کردن و مأیوس نمودن مردم و در نتیجه نهادینه کردن، بی‌انگیزگی در آنان است.

۲. ایجاد شک و تردید:

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «مبادا در روزنامه یا رسانه‌ای - به هر نحوش - یا در تبلیغاتی، طوری حرف زده بشود که مردم را نسبت به انتخابات دو دل بکنند... مبادا کسانی در داخل محدوده نظام اسلامی پیدا بشوند که به این خواسته دشمن کمک کنند. به علت اختلافی که با زید و عمر و بکری دارند، برای خاطر یک امر جزئی، کم اهمیت و احياناً شخصی یا گروهی، بیایند مردم را نسبت به این حقیقت عظیم - که حضور آن‌ها را در صحنه نشان می‌دهد - مردّد و دلسرد بکنند»^۱.

۳. تبلیغ ضعف مدیریت:

یکی دیگر از مواردی که موجب دلسرد کردن مردم در انتخابات می‌شود، تبلیغ ضعف مدیریت مدیران عالی نظام است. مقام معظم رهبری خاطر نشان کردند: «... از عوامل دیگری که از موجبات واگرایی مردم است،

۱. بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۹/۱۰/۱۳۷۰.

تبلیغ ضعف مدیریت در کشور و نبود اقتدار است، که متأسفانه تبلیغات گوناگونی از جناح‌های متخلف کشور وجود دارد که انسان از این رنج می‌برد»^۱

۴. وجود تبعیض و بی‌عدالتی

از دیگر موارد موانع درونی، می‌توان به «وجود تبعیض و بی‌عدالتی» توسط برخی مسئولان اشاره نمود. رهبر انقلاب در این مورد تأکید می‌کنند: «... مسئله دیگری که از موجبات واگرایی و دلسرد شدن مردم است، تبعیض‌ها و فرصت‌های اختصاص داده شده به اشخاص است که گاهی مشاهده می‌شود...»^۲

۵. تنش‌های سیاسی

مقام معظم رهبری فرمودند: «مجادلات بی‌مورد، فضای سیاسی کشور را زهرآگین و مردم را افسرده می‌کند و در نهایت به ضرر نظام و همه جناح‌ها تمام می‌شود بنابراین همه مسئولان و گروه‌ها و جناح‌ها باید از ایجاد تشنج‌های سیاسی بشدت پرهیز کنند و فضایی منطقی، معتدل و معقول در کشور بوجود آورند»^۳

۶. تداوم مشکلات و حل نشدن آن

ادامه یافتن مشکلات در دوره‌های مختلف و حل نشدن آن، در کاهش انگیزه مردم برای مشارکت در انتخابات تأثیر گذار است. مردم باید تغییرات مثبت را

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت؛ ۱۳۸۲/۶/۵.

۲. همان.

۳. همان.

در زندگی خود لمس کنند. گاهی اقدامات خوب زیادی انجام می‌شود، اما آثار آن در زندگی مردم و برای آنان ملموس نیست و این ذهنیت برای آنها ایجاد می‌شود که شرکت در انتخابات در حل یا کاهش مشکلات تأثیری ندارد.

موانع بیرونی:

بی‌گمان، دشمنان ملت ایران، در صدد یافتن راه‌های مختلف در جهت تضعیف نظام جمهوری اسلامی‌اند. یکی از این راه‌ها، تبلیغ منفی در جهت کاستن از حضور گسترده مردم در انتخابات مختلف می‌باشد. در این مورد به چند شیوه متوسل می‌شوند:

۱. آنکه با پاشیدن بذر تردید و شک و بدبینی، در صدد کمرنگ کردن شور مردمی می‌باشند؛

۲. دیگر آن که با پخش شایعاتی از قبیل وجود تقلب در انتخابات و... در پی نیل به خواسته‌های شوم خود می‌باشند.

راهکارها:

در مقابل این موانع، راهکارهایی را می‌توان پیش بینی نمود. این راهکارها می‌تواند برون‌رفتی مناسب از حصار موانع باشد:

۱. تبیین اهمیت انتخابات:

نخبگان جامعه باید اهمیت انتخابات را برای مردم

تبیین نمایند و آثار شرکت در انتخابات و پیامدهای کاهش مشارکت را برای مردم بازگو کنند.

۲. ایجاد فضای متعادل:

ایجاد فضای متعادل و عقلایی در جامعه، می‌تواند بر کثرت حضور مردم در انتخابات بیفزاید.

۳. رعایت امانت در انتخابات:

از جمله راهکارهایی که می‌تواند موانع شرکت گسترده در انتخابات را از سر راه بردارد، تضمین رعایت «اصل امانت» در انتخابات است.

۴. برآوردن توقعات مردم:

بی‌گمان، برآورده کردن انتظارات و توقعات مردم، موجب خواهد شد تا نسبت به مشارکت در انتخابات ترغیب شوند.



حضور حداکثری در انتخابات

۱. جهت افزایش انگیزه مردم برای مشارکت در انتخابات و حضور حداکثری چه باید کرد؟

پاسخ:

مهم‌ترین راهکارهای افزایش مشارکت عمومی و حضور حداکثری مردم در انتخابات عبارتند از:

۱. آگاهی بخشی و بصیرت‌افزایی؛

مردم اگر درک صحیحی از موقعیت و جایگاه کشور داشته باشند و حساسیت انتخابات ریاست جمهوری و نقش آن را در پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور و ناکامی دشمنان در دستیابی به اهداف خویش بشناسند، به یقین در عرصه انتخابات حضور پررنگی پیدا خواهند کرد. مردم باید نسبت به این واقعیت آگاهی پیدا نمایند که نظام جمهوری اسلامی که بر پایه فرهنگ ناب اسلامی شکل گرفته است، با وجود مشکلات و ضعف‌هایی مدیریتی و داخلی و دشمنی‌ها

و کارشکنی‌های خارجی توانسته است در مسیر پیشرفت گام برداشته و به دستاوردهای ارزنده‌ای در عرصه‌های مختلف دست یابد و افق روشنی را فرا روی کشور روشن نموده است که ادامه این مسیر به جز با پشتیبانی و همراهی مردم همانگونه که تا کنون چنین بوده است، امکان پذیر نخواهد بود.

۲. شناخت و درک احساس مؤثر بودن مردم از رأی خویش؛

آگاهی و شناخت مردم از نقش مؤثرشان در اداره کشور و تعیین سرنوشت کشور می‌تواند انگیزه شرکت در آنان را افزایش داده و هرگونه ادعای بی‌فایده بودن رأی مردم و اتهام نمایشی بودن و بی‌اثر بودن آرای آنها می‌تواند میزان مشارکت مردم را تضعیف و رو به کاستی ببرد برای همین توجیه مردم در خصوص میزان نقش و تأثیری که در اداره آینده سیاسی کشور دارند و ملموس کردن این نقش و حق آنان در تعیین سرنوشت سیاسی کشور می‌تواند میزان مشارکت را به مراتب افزایش دهد.

۳. شفافیت، صداقت و اطمینان بخشی؛

یکی از عوامل افزایش مشارکت مردمی، ایجاد فضای شفاف و به دور از ابهام، صادقانه و اطمینان بخشی به مردم می‌باشد. رقابت‌های انتخاباتی در صورتی می‌تواند به حضور و مشارکت حداکثری مردم بیانجامد که از شفافیت و صداقت لازم برخوردار باشد و از هرگونه عوام فریبی و شعار زدگی پرهیز شود. در

صورتی که چنین اطمینانی از سوی نامزدها و جریان‌های سیاسی کشور برای مردم ایجاد شود، شاهد حضور حد اکثری آنان در عرصه انتخابات خواهیم بود.

۴. پرهیز از سیاه‌نمایی شرایط کشور؛

هر چند وجود برخی از مشکلات به ویژه مشکلات اقتصادی، گرانی، تورم و نوسانات قیمت‌ها قابل انکار نیست، اما نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آنان باید از سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی مشکلات کشور و نادیده انگاشتن اقدامات و عملکردهای مثبت پرهیز نمایند و با ارزیابی منصفانه و منطقی از شرایط کشور، برای برطرف شدن مشکلات چاره‌اندیشی نموده و برنامه روشنی ارائه دهند.

۵. برنامه و راه‌حل‌های روشن برای برون‌رفت از مشکلات؛

از عوامل مؤثر در افزایش انگیزه مشارکت در مردم و شکل‌گیری حضور حداکثری آنان، ارائه برنامه و راه‌حل روشن نامزدهای انتخاباتی برای برون‌رفت از مشکلات کنونی کشور و پرهیز از کلی‌گویی و ابهام‌گویی در این زمینه است.

۶. حضور سلایق و گرایش‌های متنوع با پرهیز از جناح

بازی‌های سیاسی؛

حضور سلایق و گرایش‌های سیاسی متنوع و معتقد به نظام موجب ایجاد شور و نشاط فضای انتخاباتی و فضای رقابتی در کشور شده و این عاملی برای افزایش مشارکت مردمی خواهد بود.

۷. نقش مطبوعات و رسانه‌ها در ایجاد فضای رقابتی

مناسب:

مطبوعات و رسانه‌های عمومی می‌توانند نقش مهمی در ایجاد انگیزه و هیجان سالم انتخاباتی در میان مردم ایجاد نمایند و با آشنا سازی مردم با نامزدهای انتخاباتی، برنامه‌ها و اهداف آنان و گزینش نامزد اصلح و ایجاد فضای رقابتی عادلانه و به دور از جنجال آفرینی، بستر مناسبی را برای حضور حداکثری مردم فراهم نمایند.

۲. کم شدن مشارکت در انتخابات چه تأثیری بر نظام دارد؟

پاسخ:

نظام جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن دو ویژگی اساسی، از دیگر نظام‌های حکومتی جهان متمایز می‌گردد. ۱. اسلامی بودن. ۲. مردمی بودن. افتخار نظام جمهوری اسلامی ایران در میان نظام‌های حکومتی، برخورداری از ویژگی خداباوری و مردم گرایی آن است. هنگامی که مردم مسلمان کشورمان به رهبری حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ مبارزه با رژیم شاهنشاهی را به سرانجام رساندند، نظامی را جایگزین حکومت طاغوت کردند که شکل و خصوصیات آن با موازین اسلامی و دیدگاه‌های دینی هم‌خوانی داشت و ارزش‌ها و احکام الهی مبنای عمل مسؤلان آن بود.

این نظام که از متن مردم برخاسته بود و آرای عمومی جامعه را نیز با خود همراه داشت؛ هویت، روح و معنایش را از حضور مردم می‌گرفت، و مردم در چارچوب احکام دین و قوانین شرع مقدس در سرنوشت خود تأثیرگذار بودند. از آن جا که جمهوری اسلامی ایران، نظامی دینی و مردمی است، ثبات و اقتدار آن با حضور و مشارکت گسترده اقشار مختلف مردم در صحنه‌هایی چون انتخابات تامین می‌گردد.

انتخابات، مهم‌ترین نمود مشارکت سیاسی و نیز نقش‌آفرینی مردم در تعیین سرنوشت جامعه اسلامی است. عدم حضور مردم در صحنه‌های انتخابات، پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران را سست می‌کند و باعث تضعیف دین و ارزش‌های می‌گردد.

حضور مردم در عرصه انتخابات، شگردهای تبلیغی دشمنان اسلام و ایران را خنثی می‌کند. آرزوی مستکبران و مخالفان دین و ایران، روی گردان مردم از نظام الهی است. برای رسیدن به این آرزو، آنان با طرح برخی از کاستی‌ها و دشواری‌های اقتصادی، برآند تا شاید بتوانند مردم را از حکومت اسلامی جدا کنند و ملت نیز با عدم حضور خود در پای صندوق‌های رأی، ناخرسندی خود از حاکمیت و اعراض خویش از نظام جمهوری اسلامی را اعلام نمایند. حضور آحاد مردم در انتخابات با آمار دقیق،

زیر نظر چشمان تیز بین و خشم آلود دشمنان این
نظام الهی و مردمی است.

از این رو حضور پر شور و چشم گیر مردم در پای
صندوق‌های رأی، علاوه بر تقویت نظام و انقلاب
اسلامی، سیلی محکمی به صورت معاندان و دشمنان
و خط بطلانی بر توطئه توطئه‌گران خواهد بود.

انتخابات و اخلاق

۱. ویژگی‌های اصلی اخلاق انتخاباتی بر اساس آیات و روایات چیست؟

انتخابات به عنوان یک رفتار اجتماعی از حوزه اخلاق خارج نبوده و برای تحقق یک انتخابات و رقابت سالم در تراز جامعه اسلامی، معیارها و ضوابطی باید رعایت شود که به چهار شاخصه عمده اخلاق انتخاباتی با استفاده از آیات و روایات اشاره می‌کنیم:

الف. صداقت و پرهیز از دروغ

صداقت و راستی یکی از شاخصه‌های ایمان است که در تمامی زندگی فردی و اجتماعی انسان باید ظهور و بروز داشته باشد. فعالیت‌های انتخاباتی، نباید موجب کنار گذاشتن صداقت و روی آوردن به دروغ و فریب برای کسب رأی شود.

قرآن کریم خطاب به مؤمنان می‌فرماید: ﴿يا ايها الذين آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون. كبر مقتاً عند الله

ان تقولوا ما لاتفعلون»؛^۱ «هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزهایی می‌گویید که به آنها عمل نمی‌کنید. خدای تعالی سخت به خشم می‌آید که چیزی را بگویید که بدان عمل نمی‌کنید»

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «أَعْظَمُ الْخَطَايَا عِنْدَ اللَّهِ أَلْسَانُ الْكُذُوبِ وَ شَرُّ النَّدَامَةِ نَدَامَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲ بدترین گناهان نزد خدا (گناه) زبان دروغ گو است، و بدترین پشیمانی روز قیامت است».

ب. پرهیز از اتهام زنی و شایعه پراکنی

پرهیز از شایعه پراکنی یکی از مهم ترین اصول اخلاقی در رقابت‌های انتخاباتی است. در منطق اسلام هم پذیرش شایعه بدون تحقیق و بررسی از درستی یا نادرستی آن، هم منتشر ساختن شایعه و هم ساده و کوچک شمردن آن، مورد نکوهش قرار گرفته شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «اذ تلقونه بالسنتکم و تقولون بافوا حکم ما لیس لکم به علم و تحسبونه هیناً و هو عند الله عظیم»؛^۳ «شما بدون اینکه درباره آنچه شنیده‌اید تحقیقی کنید، و علمی به دست آورید، آن را پذیرفتید و دهان به دهان گردانیدید و منتشر ساختید. شما این رفتار خود را کاری ساده پنداشتید و حال آنکه نزد خدا کار بس عظیمی است».

۱. سوره صف، آیه ۳-۲.

۲. فیض کاشانی، محسن، المحجۀ البیضاء، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ق، ج ۵، ص ۲۴۳.

۳. سوره نور، آیه ۱۵.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «انی لعرفت قوماً يضربون صدورهم ضرباً يسمعه اهل النار و هم الهمazon اللمازون الذين يلتمسون عورات المسلمين و يهتكون ستورهم و يشيعون فيهم من الفواحش ما ليس فيهم؛ گروهی را می شناسم که در قیامت آنچنان به سینه آنان ضربه وارد می شود که اهل جهنم صدای سینه آنان را می شنوند و آنان کسانی اند که در پی اطلاع از عیوب و گناهان پنهانی دیگران بوده اند و به هتک حرمت و فاش کردن آنها می پردازند و چیزهائی را علیه آنها شایعه می کنند که آنان اهل آن نبودند».

دوراهکار قرآن کریم برای در امان ماندن از پیامدهای شایعه و مقابله با آن:

نخست آنکه علم و اطمینان را ملاک قرار داد و به ظن و گمان اعتماد نکرد. ﴿لاتقف ماليس لك به علم ان السمع والبصر والفواد كل اولئك كان عنه مسئولا﴾؛^۲ «به چیزی که علم و اطمینان نداری، اعتماد مکن و آن را بر زبان میاور، زیرا گوش و چشم و دل و اندیشه آدمی مسئول خواهند بود».

دوم آنکه در مورد صحت و سقم اخبار از سوی افراد غیر قابل اعتماد تحقیق کرد. ﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ

۱. فخر رازی، محمد، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث

العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۳۴۶.

۲. سوره اسراء، آیه ۳۶.

فَتُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد در باره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید».

د. پرهیز از وعده‌های غیر عملی

از آنجا که انتخابات با ارایه برنامه و طرح‌ها برای آینده از سوی نامزدهای انتخاباتی همراه است، گاهی وعده‌هایی از سوی نامزدهای انتخاباتی داده می‌شود که یا قصد انجام آن را از آغاز ندارند که مصداق دروغ خواهد بود و یا گرچه قصد عمل به آن را دارند، اما به آن عمل نمی‌شود که مصداق تخلف از وعده و همچون دروغ از گناهان کبیره خواهد بود. یا وعده‌هایی داده می‌شود که در توان فرد نبوده و عملی نیستند که این هم مورد نکوهش قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «**لَا تَعِدَنَّ اِخَاكَ وَعَدًّا لَيْسَ فِي يَدِكَ وَفَاؤُهُ**»^۲ هرگز به برادرت وعده‌ای نده که انجام آن به دست تو نیست».

ه. حفظ اخوت اسلامی و پرهیز از اختلاف افکنی

در جامعه اسلامی، مؤمنان بردار یکدیگر بوده و باید در مسیر تحکیم آن گام بردارند و آسیب‌های آن را اصلاح نمایند. «**إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ**

۱. سوره حجرات، آیه ۶.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷۸،

ص ۲۵۰، ح ۹۴.

أَخْوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛^۱ «مؤمنان برادر یکدیگرند، بنا بر این میان دو برادر خود صلح برقرار سازید، و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید».

لفت و پیوند میان افراد جامعه اسلامی نعمت الهی است که باید قدردان آن بود و قدر دانی از این نعمت آن است که از هر گفتار و رفتاری که موجب اختلاف و تفرقه در جامعه اسلامی می‌گردد پرهیز شود. **﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾**^۲ «و همگی به ريسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله رحمت) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید».

انتخابات و رقابت‌های سیاسی نباید به صحنه اختلاف، تفرقه و ایجاد دو قطبی‌های کاذب در جامعه اسلامی بشود. نتیجه اختلاف و کشمکش در جامعه، از بین رفتن قدرت و سست شدن خواهد بود؛ **﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾**^۳ «و اطاعت (فرمان) خدا و پیامبرش نمائید و

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۳. سوره انفال، آیه ۴۶.

نزاع (و کشمکش) مکنید تا سست نشوند و قدرت (و شوکت و هیبت) شما از میان نرود».

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الصَّمَائِرِ فَلَا تَوَازُونَ وَ لَا تَنَاصِحُونَ وَ لَا تَبَادُلُونَ وَ لَا تَوَادُّونَ!»^۱ میان شما را جدائی نینداخته مگر ناپاکی باطنها و بدی اندیشه ها، به این جهت باریکدیگر را بر نمی دارید (در هیچ کاری کمک هم نیستند) و پند و اندرز نمی دهید، و (در نیازمندیها) بیکدیگر بذل و بخشش نمی نمائید، و با هم دوستی نمی کنید».

۲. از نظر امام رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ و رهبری دَائِمَةُ ظِلَّةِ اخلاق انتخاباتی چه شاخصه‌هایی دارد؟

از منظر حضرت امام و رهبری مهم‌ترین محورهای اساسی اخلاقی که در انتخابات باید مورد توجه قرار بگیرند، عبارتند از:

الف. رعایت شئون و آداب اسلامی

حضرت امام فرمودند:

«سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چهارچوب تعالیم و اخلاق عالیة اسلام انجام شود؛ و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

نهایت حفظ اسلام است. اگر در تبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود. باید سعی شود تا خدای ناکرده به کسی توهین نگردد».^۱

مقام معظم رهبری فرمودند:

«میدان انتخابات میدان مسابقه خدمت و سبقت گرفتن در خیرات است و باید از نفرت‌پراکنی و اتهام‌زنی پرهیز شود... ملاحظات اخلاقی جداً رعایت بشود. یعنی واقعاً اگر چنانچه نامزدهای انتخاباتمان هم در مناظراتشان، هم در مصاحبه‌هایی که با آنها می‌شود، سؤال جواب‌هایی که با آنها می‌شود، اخلاق اسلامی را رعایت نکنند، این سرریز میشود در جامعه، آحاد مردم ملاحظات اخلاقی را یاد می‌گیرند و رعایت می‌کنند. این سرمشقی برای آنها خواهد شد و هنجارشکنی هم نکنند».^۲

ب. پرهیز از تخریب، تضعیف و هتک حرمت

حضرت امام فرمودند:

«از آقایان کاندیداها و دوستان آنان انتظار دارم که اخلاق اسلامی- انسانی را در تبلیغ برای کاندیدای

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۱.

۲. بیانات در نشست تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛

۱۴۰۰/۲/۶

خود مراعات؛ و از هرگونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتک حرمت باشد خودداری نمایند»^۱.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«در انتخابات با کرامت رفتار کنند همه؛ چه آنهایی که نامزد می‌شوند، چه آنهایی که طرفدار آنها هستند. چه آنهایی که مخالف با بعضی از نامزدها هستند. جناحهای مختلف کشور، بد اخلاقی و بدگویی و اهانت و تهمت و این حرفها را مطلقاً راه ندهند. این از آن چیزهایی است که اگر پیش بیاید، دشمن از او خوشحال می‌شود»^۲.

ج. حفظ آرامش و اخوت اسلامی

حضرت امام فرمودند:

«در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش را در تبلیغ کاندیداهایشان رعایت نمایند و نسبت به یکدیگر تفاهم و صمیمیت و اخوت اسلامی داشته باشند و از تفرقه و کدورت شدیداً احتراز کنند که تفرقه و تشتت، دوستان را نگران و دشمنان را کامیاب می‌کند و موجب تبلیغات سوء می‌شود»^۳.

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۲.

۲. بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی ماه؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۹.

۳. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۲.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«سعی کنید این حرکت زیبا و این حرکت عظیم مردمی را - که حقیقتاً یک آزمایش بزرگ مردمی و ملی و اسلامی است - با همان نزاهت و طهارت و پاکیزگی‌ای که مطلوب اسلام است، پیش ببرید. البته متن و عموم مردم عزیز کشور ما همین‌طورند... نگذارید که فضای انتخاباتی، فضای کدورت شود. هر کدام از نامزدها و طرفدارانشان، برای خودشان تبلیغ کنند؛ اما دوستان و هم‌میهنان و برادرانشان را که احیانا از نامزد دیگری حمایت می‌کنند، زخم خورده و رنج‌دیده و از خودشان مکدر نکنند. به این نکته توجه کنید. این، خیلی مهم است.»^۱

رقابت احزاب و جریان‌های سیاسی در انتخابات ممکن است با چه آسیب‌هایی مواجه شود؟

پاسخ:

مهم‌ترین آسیب‌های فرا روی رقابت سیاسی احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی از منظر حضرت امام و مقام معظم رهبری عبارتند از:

• اختلاف افکنی و تشنج آفرینی

یکی از آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، اختلاف افکنی و تشنج آفرینی در سایه رقابت در جامعه است. هر

۱. بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا و ایثارگران؛ ۱۳۷۶/۲/۳۱.

چند احزاب و گروه‌های سیاسی ممکن است دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی در مورد مسائل کشور داشته باشند، ولی این به معنای اختلاف افکنی و ایجاد تنش و تشنج در جامعه نیست و باید رقابت آنها به دور از هر گونه اختلاف افکنی و تشنج باشد تا فضای مناسب برای انتخاب و گزینش مناسب توسط مردم فراهم گردد.

حضرت امام در این باره فرمودند:

«این طور نباشد که گروه‌های مختلف، احزاب مختلف، و اشخاص مختلف، در یک موقعی که ما همه احتیاج به وحدت کلمه داریم، اختلاف ایجاد کنند؛ تشنج ایجاد کنند... توجه به این معنا داشته باشند که در صدر مشروطیت که احزاب مختلف پیدا شد دنبال آن پیروزی که ملت پیدا کرده بود، این احزاب مختلف به جان هم افتادند و این کشور را تباه کردند. شما گمان نکنید که احزابی که در ممالک دیگری هست، در صدر مشروطیت در انگلستان بود، آن احزاب با همان کاری که آنها می‌کردند و حزب بازی می‌کردند ماها را به اختلاف می‌کشیدند، و خود آنها با هم دشمنی نداشتند. هیچ حزبی بر ضد مصالح کشور خودش عمل نمی‌کرد. اگر هم با هم اختلاف سلیقه یا اختلاف رویه داشتند، عاقلانه بود؛ با حساب بود. این طور نبود که یک دسته دسته دیگر را آن چنان تضعیف کنند که کشورشان آسیب ببیند. مع الأسف همان

احزابی که در آنجا بودند به ما نمایش می دادند که کشور باید احزاب داشته باشد و احزاب هم باید مخالف با هم باشند، ما را و احزاب ما را روبروی یکدیگر قرار می دادند و به ضرر هم صحبت می کردند و به ضرر هم قلمفرسایی می کردند؛ و نتیجه این شد که به ضرر کشور بود.^۱

مقام معظم رهبری فرمودند:

«گروهها و جریانهای سیاسی با هم کنار بیایند و با هم کار کنند بدبینی، تهمت، اهانت به یکدیگر و قهر از یکدیگر نداشته باشند حالا می گویند که اختلاف مذاق سیاسی داریم... به فرض اگر در زمینه های اقتصادی و سیاسی با هم اختلافی دارند، اگر اختلافشان فقط اختلاف عاطفی نیست، در دایره آن اختلافات با هم رقابت کنند، حرفی نیست اما این رقابتهای را به خصومت به دشمنی و به کینه ورزی در مقابل هم نکشانند، ببینید که دشمن این جا ایستاده است ببینید که دشمن منتظر فرصت است ببینید که روی جنگ جناحها با یکدیگر محاسبه می کند».^۲

• تخریب و تضعیف دیگران

از آسیب های رقابت های سیاسی، تخریب و

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۸-۵۰.

۲. نماز جمعه تهران، ۱۳۷۸/۵/۸.

تضعیف دیگران است. رقابتی که به دنبال آن تخریب و تضعیف دیگران باشد، رقابتی ناسالم خواهد بود.

حضرت امام فرمودند:

«ما اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم با هم در یک محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم. با تفاهم مسائل را حل کنیم؛ نه اینکه جبهه‌گیری کنیم. یکی یک طرف بایستد، با دار و دسته خودش؛ و یکی یک طرف بایستد با دار و دسته خودش؛ و کوشش کنند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی. اینها برای این است که تعهد اسلامی نیست، و دید سیاسی هم نیست. شماها اگر مُسلم هستید، به احکام اسلام عمل کنید. و اگر خدای نخواستہ تعهد اسلامی را قبول ندارید، با دید سیاسی مسائل را حل کنید. اگر ملت اشخاصی را دید، گروه‌هایی را دید که بر خلاف مصالح کشور دارند جبهه‌ری می‌کنند و این طایفه آن طایفه را می‌کوبند و آن طایفه آن طایفه را، تکلیف شرعی ملت این است که از آنها اعراض کنند و آنها را پذیرا نباشند»^۱.

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۸-۵۰.

مقام معظم رهبری نیز فرمودند:

«من خواهش می‌کنم همیشه، در همه دوران ها، انتخابات‌ها را وسیله‌ای قرار بدهید برای قوت ملی، برای افزایش اقتدار ملی؛ نه برای تضعیف نظام و تضعیف آبروی ملت. جنجالهایی که بعضاً از طرف بعضی از احزاب و گروه‌ها و جریانهای سیاسی و جناحهای بد اخلاق در اطراف انتخابات می‌شود، تضعیف کننده کشور و ملت و نظام است. جناحهای مختلف، جریانهای مختلف، گرایشهای مختلف، با شوق و ذوق و علاقه‌مندی همه عواملشان را بسیج کنند و انتخابات را به عنوان یک هدف عالی، هدف خوب، هدف شیرین مورد توجه قرار بدهند و به دعوا و جنجال و اهانت و پنجه به روی هم کشیدن قضایا را نکشاند. انتخابات را وسیله‌ای بکنید برای اینکه دشمنان را نا امید بکنید.»^۱

• توهین و اتهام به سایر رقیب‌ها

از آسیب‌ها و آفت‌های رقابت‌های سیاسی، توهین و اتهام به دیگران در جریان رقابت‌های انتخاباتی است.

حضرت امام فرمودند:

«هیچ مقامی و حزبی و گروهی و شخصی حق ندارد به دیگران که مخالف نظرشان هستند توهین

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۶/۳۱.

کنند، یا خدای نخواستہ افشاگری نمایند؛ گرچه همه حق تبلیغات صحیح برای خود یا کاندیداهای خود یا دیگران را دارند، و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری از این حق نماید. و البته لازم است تبلیغات موافق مقررات دولت باشد و احدی شرعاً نمی‌تواند به کسی کورکورانه و بدون تحقیق رأی بدهد»^۱.

مقام معظم رهبری نیز فرمودند:

«فضا باید متعادل، منطقی و عقلایی باشد. گفتگوی انتقادی اشکالی ندارد؛ اما گفتگو باهای و هوی فرق دارد. در مردم سالاری اسلامی، گفتگو با عربده کشی و چاقوکشی در بعضی از دموکراسی‌ها تفاوت دارد. این جا گفتگو می‌کنند؛ به قول امام، مثل مباحثه‌های طلبگی. در مجلس و جاهای دیگر مباحثه کنند، حتی بر سر مسأله‌ای دعوا کنند؛ اما کینه از هم به دل نگیرند؛ بعد هم پهلوی همدیگر بنشینند و با هم صحبت کنند. نگذارند اختلاف نظر به تنازع برسد. این تنازع موجب فشل و ضعف قوا خواهد شد. دروغ، اهانت، دستگاه‌ها یکدیگر را متهم کردن، شایعه پراکنی، افتراء به رقیب، تحریک عصبیتهای گوناگون؛ این‌ها هیچکدام با انتخابات اسلامی سازگار

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۳۷.

نیست. این خطاب به همه ی جناحهاست؛ خطاب به اشخاص یا جناح معینی نیست؛ این وظیفه ی همه ی ماست. همه ی جناحها باید این چیزها را رعایت کنند. همه هم در چارچوب قانون حرکت کنند»^۱.

• بی‌توجهی به اصول و مبانی اسلامی و انقلابی

از آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، نادیده گرفتن و زیر پا گذاشتن اصول و مبانی اسلامی و انقلابی و توجه نکردن به آنهاست.

حضرت امام فرمودند:

«اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسأله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است... چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است... ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضع‌گیری‌ها باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵.

مردم علیه سرمایه داری غرب و در رأس آن امریکای جهانخوار و کمونیسم و سوسیالیزم بین الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند»^۱.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«من به خط و گرایش سیاسی شما و رقبایتان و اختلافات شما کاری ندارم، اما تأکید می‌کنم که باید با حفظ اصول و مبانی با یکدیگر رقابت و مباحثه کنید... همه شما معتقد به اسلام، انقلاب و امام هستید ولی در داخل کشور کسانی هستند که همچون آمریکا با این اصول دشمنی می‌ورزند و مهم این است که در برابر این مخالفتها و دشمنی‌ها، به طور شفاف و روشن موضعگیری شود اما موضع برخی دوستان و مجموعه‌های سیاسی در این زمینه‌ها به قدری نامحسوس است که اگر کسی به این مواضع، اعتقاد یافت، احساس می‌کند می‌تواند حتی به ضد انقلاب نیز نوعی دلبستگی داشته باشد به همین لحاظ همه شخصیتها، گروهها و جناح‌های وفادار به اسلام و انقلاب باید مواضع محکم خود را در برابر کسانی که در داخل و خارج زیر پوشش اصلاحات، انقلاب، راه امام، ولایت فقیه و قانون اساسی را مورد تعرض قرار می‌دهند، اعلام کنند...»^۲.

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۹-۱۷۸.

۲. بیانات در دیدار سران جبهه دوم خرداد، ۱۳۷۹/۲/۷.

• نادیده گرفتن دشمن و فقدان مرز بندی مشخص با آن

حضرت امام فرمودند:

«هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود، آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب آمریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند...»^۱

مقام معظم رهبری نیز در این باره فرمودند:

«انتخابات مال ملت ایران است، مال جمهوری اسلامی است، مال اسلام است؛ مرز هاشان را با دشمن مشخص و متمایز کنند. من بارها به بعضی از افراد سیاسی که فعالیت‌هایی دارند و گاهی یک مخالف خوانی‌هایی می‌کنند، تذکر داده ام، نصیحت کرده ام؛ گفته ام مواظب باشید مرزهای میان شما و دشمن کمرنگ نشود؛ پاک نشود. مرز وقتی کمرنگ شد، احتمال اینکه کسانی از این مرز عبور کنند یا دشمن از این مرز عبور کند و بیاید این طرف یا دوست و خودی غافل شود و از مرز

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۹-۱۷۸.

عبور کند و برود به دامن دشمن، زیاد خواهد بود.
مرزها را روشن کنید؛ مشخص کنید»^۱.

• ترجیح منافع حزبی و جناحی بر منافع کشور:

از آسیب‌های مهم رقابت‌های سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی، مقدم داشتن منافع حزبی و گروهی بر منافع عمومی کشور و مردم است.

حضرت امام در این خصوص فرمودند:

«اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آن قدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید»^۲.

۱. بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۷۹.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«از ورود در مناقشات جناحی و حزبی که عده‌ای می‌خواهند در کشور ما این‌ها را روز به روز بیشتر کنند، پرهیز کنید و راز موفقیت شما این است. دست‌هایی در کار است تا سر مسائل هیچ و پوچ عده‌ای را به جان هم بیاندازند و سر موضع گیری‌های گوناگون حزبی و جناحی و گروهی و گاهی گروهکی افراد را نسبت به یک‌دیگر مسأله دار کنند، درست نقطه مقابل ﴿انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم﴾^۱ قرآن می‌فرماید که مؤمنین به خدا، مؤمنین به دین، مؤمنین به راه انبیاء با هم برادرند دو برادر ممکن است با هم دعوا کنند اما تکلیف ما چیست؟ فاصلحوا بین اخویکم بین دو برادر را باید اصلاح کرد درست نقطه مقابل این عده می‌خواهند با جناح بندی و اظهارات حزبی و ایجاد ولایت حزبی به تنور اختلاف افکنی و آتش افروزی بدمند».^۲

• تقابل، دشمنی و نفی دیگران به جای رقابت:

از دیگر آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، تبدیل شدن رقابت به تقابل، تعارض و دشمنی است روشن است که در چنین فضایی نمی‌توان انتظار رشد و بالندگی کشور را داشت، رقابت هیچ‌گاه به معنای

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۲. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.

دشمنی، کینه توزی و نفی دیگران نیست، ماهیت رقابت سالم، تکیه و تأکید بر توانایی‌ها و داشته‌های خود است نه تقابل، دشمنی و نفی دیگران.

حضرت امام این گونه نگرانی خود را نسبت به رقابت احزاب و گروه‌های سیاسی بیان فرمودند:

«البته دو تفکر هست، باید هم باشد. دو رأی هست، باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد... اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم. باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم»^۱.

مقام معظم رهبری نیز فرمودند:

«انتخابات باید سالم باشد، رقابتی باشد. رقابت غیر از خصومت است، رقابت غیر از تهمت زنی متقابل است؛ این‌ها را باید همه مواظب باشیم. رقابت این نیست که کسی اثبات خود را متوقف بر نفی دیگری بداند. رقابت این نیست که کسانی

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۷.

بیابند برای جلب نظر مردم، وعده‌های خلاف قانون اساسی، خلاف قوانین عادی بدهند؛ این‌ها نباید باشد. کسانی که وارد عرصه ی انتخابات می‌شوند، چه از طرف مجریان و مسئولان، چه از طرف کسانی که نامزد می‌شوند، بایستی به آداب و شروط یک حرکت عمومی سالم پایبند باشند، متعهد باشند؛ این لازم است»^۱.

۴. چگونه می‌توان یک انتخابات سالم برگزار کرد؟

مهم‌ترین راهکارهایی که زمینه‌ساز یک انتخابات سالم می‌شود را می‌توان در این موارد برشمرد:

الف. سلامت عمل مجریان و ناظران:

۱. نظارت و اجرای دقیق مسؤلان:

نظارت دقیق و اجرای کامل دو نهاد مسؤل در امر انتخابات یعنی شورای نگهبان و وزارت کشور، در برگزاری یک انتخابات سالم و عاری از هرگونه شائبه بی‌عدالتی و بی‌نظمی، یک عامل کلیدی است.

۲. پایبندی به قانون برای ناظران و مجریان:

شرط دیگر برگزاری یک انتخابات سالم، پایبندی همه جانبه مقامات مسؤل، به قانون اساسی می‌باشد.

۱. بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۹/۱۰/۱۳۹۰.

۳. عدم جانبداری ناظران و مجریان از شخص یا حزب خاص.

۴. قاطعیت در عمل طبق قانون:

از الزامات برگزاری یک انتخابات سالم، قاطعیت در عمل و اجرای قانون است.

۵. انتخاب ناظرین پاک و بی طرف:

از شرایط لازم برای برگزاری یک انتخابات سالم، وجود ناظران پاک و بی طرف است.

۶. تنوع حضور جناح‌ها و سلیقه‌ها در عرصه انتخابات:

یکی دیگر از مواردی که به برگزاری انتخابات سالم و مردمی کمک خواهد کرد، حضور جناح و سلیقه‌های مختلفی که به قانون اساسی معتقدند، می باشد.

ب. سلامت رفتار نامزدهای انتخاباتی:

رعایت اخلاق و آداب اسلامی و پرهیز از رویه‌های غیر اخلاقی، اهانت و اتهام و تبلیغات فریبکارانه و دروغ و... برای به دست آوردن مردم، زمینه سلامت انتخابات را فراهم می نماید. وجود تبلیغات دروغین و فریبکارانه و به دور از آداب و اخلاق اسلامی از آسیب‌های انتخابات است که سلامت آن را تهدید می کند.

حضرت امام فرمودند:

«من بسیار مایل هستم؛ گروه‌هایی را که متعهد و معتقد به جمهوری اسلامی و خدمتگزار به اسلام هستند، در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش را در

تبلیغ کاندیداهایشان رعایت نمایند و نسبت به یکدیگر تفاهم و صمیمیت و اخوت اسلامی داشته باشند، از تفرقه و کدورت شدیداً احتراز کنند»^۱.

مقام معظم رهبری فرمودند:

«میدان انتخابات میدان مسابقه خدمت و سبقت گرفتن در خیرات است و باید از نفرت پراکنی و اتهام زنی پرهیز شود... ملاحظات اخلاقی جداً رعایت بشود. یعنی واقعاً اگر چنانچه نامزدهای انتخاباتمان هم در مناظراتشان، هم در مصاحبه‌هایی که با آنها می‌شود، سؤال جواب‌هایی که با آنها می‌شود، اخلاق اسلامی را رعایت نکنند، این سرریز میشود در جامعه، آحاد مردم ملاحظات اخلاقی را یاد می‌گیرند و رعایت می‌کنند. این سرمشقی برای آنها خواهد شد؛ و هنجارشکنی هم نکنند»^۲.

۱. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۸۸.

۲. بیانات در نشست تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛
۱۴۰۰/۲/۶.



انتخابات و نظارت

۱. آیا نظارت بر انتخابات مخالف حق مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن که در زمره حقوق ملت در قانون اساسی از آن یاد شده است نمی‌باشد؟

پاسخ:

۱. نظارت، نه تنها مخالف حق مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن نیست، بلکه اساساً در راستای تأمین حقوق مردم است. مردم با اراده‌ی خویش به جمهوری اسلامی و قانون اساسی رأی دادند تا جمهوریت نظام و اسلامیت آن خدشه نبیند. به عبارت دیگر، مردم خواهان انتخاب شدن و انتخاب کردن در چارچوب موازین اسلامی و قوانین مندرج در قانون اساسی هستند و نبود نظارت مغایر تأمین حقوق مردم خواهد بود.

۲. همانگونه که «انتخاب شدن و انتخاب کردن» به عنوان یک حق در قانون اساسی مندرج است،

«نظارت» نیز بارها در قانون اساسی مطرح شده است و به همین دلیل همانگونه که اصل انتخاب شدن و انتخاب کردن باید مورد توجه قرار گیرد اصل دیگر همین قانون تحت عنوان «نظارت» نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۳. اگر بنا باشد به بهانه ی حق «انتخاب شدن و انتخاب کردن»، صلاحیت داوطلبان مورد بررسی قرار نگیرد، ذکر اوصاف و شرایط خاص برای نامزدها لغو و بیهوده خواهد بود. در هر حال، اصل وجود قانون در جامعه، محدودیت‌هایی را به همراه دارد. کسانی که فاقد شرایط لازم باشند از انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم می‌شوند.

۴. در تمامی کشورهای جهان و نزد تمامی عقلای عالم، برای تصدی مسؤولیت‌های مهم یک سری شرایط ویژه در نظر گرفته می‌شود؛ تا هم وظایف محوله به فرد مورد نظر به درستی انجام پذیرد و هم حقوق و مصالح شهروندان در اثر بی‌کفایتی و نالایق بودن مسؤول برگزیده پایمال نگردد.

۲. آیا بهتر نیست با کنار گذاشتن مراجع رسمی احراز صلاحیت، افراد خود به تحقیق بپردازند و با آزادی بیشتری انتخاب کنند؟

پاسخ:

۱. تحقیق و جستجوی خود افراد در میان تعداد زیادی

داوطلب و احراز شرایط در آنها، نیازمند صرف وقت و نیروی فراوان است که با وجود گرفتاری‌ها و مشغله‌های افراد ناممکن و یا حداقل بسیار مشکل است.

۲. تجربه به خوبی نشان داده است آنها که از پول، امکانات و روش‌های تبلیغی بیشتر و بهتری برخوردارند، عملاً در چنین وضعیتی موفق‌ترند و توانسته‌اند با تبلیغات جدّاب، کار را از مسیر آن خارج و خود یا داوطلبان مورد نظر خود را - اگر چه بدون وجود صلاحیت لازم برای تصدی امور در ایشان - راهی مجالس و مناصب تصمیم‌گیری و اجرایی کنند.

۳. باید آزادی انتخاب مردم را با حفظ حقوق آنها همراه کرد. پر واضح است که گزینش در میان مجموعه‌ی ده نفری که انسان به صلاحیت تمامی آنها و در نتیجه تضمین حقوق خود با انتخاب هر یک از آنها اطمینان دارند، بسیار راحت‌تر و بهتر از گزینش در میان مجموعه‌ی هزار نفری است که شناخت و تضمینی برای افراد وجود ندارد.

بنابراین، وجود این فیلتر (نظارت استصوابی) در حقیقت کمک کار و یاور مردم در انتخاب بهتر، آزادانه‌تر و به دور از تردیدها و دلهره‌هاست.

۳. چرا نظارت در کشور ما همچون نظارت در کشورهای دیگر نیست؟ آیا نباید ما نظارت‌مان را به سبک سایر کشورها کنیم؟

پاسخ:

هر نظامی بسته به نوع نگرش و ایدئولوژی خود و همین طور قانون اساسی آن نظام به تعریف شرایط می‌پردازد. در کشور ما که نظامی است اسلامی و احکام نورانی آن حکم‌فرماست مطابق اصل چهارم قانون اساسی کلیه قوانین مصوب کشور - اعم از قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه - باید بر اساس شرع مقدس اسلام باشد و برای تشخیص این امر (عدم مغایرت قوانین موضوعه با شرع) نهادی در قانون اساسی پیش بینی شده که علاوه بر عهده‌دار بودن این امر مهم و وظیفه نظارت بر امر انتخابات و همه‌پرسی‌ها را نیز بر عهده دارد.^۱

نظامی را در دنیا نمی‌شناسیم که دارای چنین فیلتر نظارتی نباشد. حتی نظام‌های غربی که داعیه‌دار دموکراسی در جهان هستند، نیز از این نهاد سود می‌برند. مثلاً در آلمان که سیستم حکومتی آن فدرال است. مطابق قانون اساسی، دادگاهی به نام «دادگاه قانون اساسی» برای خود پیش بینی نموده است.

البته ما بر این اعتقادیم که بهترین سیستم نظارتی

۱. همان، ج ۳، ص ۸۵.

در کشور ما اجرا می‌شود چرا که نهادی که در کشور ما عهده‌دار امر نظارت است جزء هیچ یک از قوای سه گانه نبوده، بلکه یک نهاد مستقل است که بدون تأثیرپذیری از رقابتهای بین قوای کشور، وظایفی که در قانون برای او تحت عنوان نظارت تعیین گردیده انجام می‌دهد.

حال که فهمیدیم که اصل نظارت چیزی نیست که مختص به نظام ما باشد جا دارد بدانیم که این نهاد بر چه چیزی و بر چه اساس و معیاری امر نظارت را انجام می‌دهد.

اگر چه نظارت در همه نظامهای مردمسالاری امری پذیرفته شده است اما باید گفت: هر نظام سیاسی دارای اصول و مبانی خاصی است که عبارت است از مبانی اعتقادی و فرهنگی مشترک آن جامعه که در قانون اساسی آن کشور تبلور یافته است. از این رو نظامهای سیاسی برای حفظ این اصول و مبانی مشترک از هیچ نظارت مؤثری دریغ نمی‌ورزند چرا که عدم نظارت و محافظت بر این اصول موجب خدشه‌دار شدن وحدت ملی جامعه خواهد شد. در واقع هر نظامی طبق همان ایدئولوژی که داراست، دارای خطوط قرمزی است که تعدی به آنها از هیچ کسی پذیرفتنی نیست.^۱

در قانون اساسی آمده است «جمهوری اسلامی

۱. همان، ص ۵۴.

ایران نظامی است بر پایه ایمان به وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، که از راه اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین علیهم السلام قسط و عدل که استقلال و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.^۱ هم چنین آمده است: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است».^۲

نتیجۀ این اصول، حاکمیت و اعمال فقه شیعه بر کلیه امور و شئون و مناسبات جامعه و همچنین نهادها و اعمال زمامداری است، به ویژه آن که «کلیه قوانین و مقررات... باید بر اساس موازین اسلامی باشد».^۳ این رسمیت و حاکمیت فقه شیعه، علما و فقهای شیعه را به نظارت می‌طلبد تا احکام و موازین اسلامی به نحو شایسته در تمامی جامعه اعمال شود و افرادی برای عهده‌دار شدن مسئولیت انتخاب شوند که با اسلام و اصول مترقی آن همخوانی داشته و آن را با جان و دل پذیرا باشند.^۴

۱. اصل دوم قانون اساسی.

۲. اصل دوازدهم قانون اساسی.

۳. اصل چهارم قانون اساسی.

۴. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص ۲۲۳.

۴. حق انتخاب آزاد، بنیادی‌ترین اصل دموکراسی است نه اینکه حکومت قیّم‌گونه به مردم بگوید به چه کسانی می‌توانند رأی بدهند، مردم می‌توانند یک قاتل را هم انتخاب کنند.

پاسخ:

هرگونه قضاوت و داوری در مورد آزادی انتخابات در ایران، در گرو مشخص شدن منظور از انتخابات آزاد و شاخصه‌های آن است تا بر اساس آن بتوانیم انتخابات کشورمان را بسنجیم. در مورد آزاد بودن انتخابات، چند تلقی و برداشت مختلف ممکن است تصور شود که به ارزیابی آن‌ها و تبیین معنای صحیح انتخابات آزاد می‌پردازیم:

الف. همه افراد بدون در نظر گرفتن شرایط خاصی بتوانند به عنوان نامزد انتخابات مطرح شوند؛

اشکال عمده این برداشت این است که در این صورت هیچ انتخاباتی را نمی‌توان پیدا کرد که آزاد باشد، زیرا در تمام کشورها و نزد تمامی عقلای عالم برای تصدی مسئولیت‌های مهم، شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود، تا هم وظایف محوله به فرد مورد نظر به درستی انجام پذیرد و هم حقوق و مصالح شهروندان در اثر بی‌کفایتی مسئول برگزیده پایمال نگردد.

بر این اساس، آزادی در انتخابات نمی‌تواند به معنای آزادی بدون قید و شرط و در نظر گرفتن شرایط، هر چند شرایط عمومی، برای نامزدهای انتخاباتی باشد و

این برداشت از انتخابات آزاد، صحیح و منطقی به نظر نمی‌رسد.

اینکه انتخابات آزاد یعنی مردم بتوانند یک فرد قاتل را هم انتخاب کنند، از نظر عقل و منطق قابل قبول نیست و هیچ فرد عاقلی از انتخاب آزاد چنین برداشتی را نخواهد داشت. قرار نیست هر کسی با هر شرایطی از راه رسید بدون در نظر گرفتن صلاحیت و توانمندی بتواند خود را به عنوان نامزد انتخابات مطرح نماید هر چند یک کم‌دین^۱ باشد که هیچ سررشته‌ای از سیاست و مدیریت و امور اجرایی نداشته باشد تا یک انتخابات آزاد شکل بگیرد. آزادی مردم در انتخاب در جای خود درست است، اما اصل تعیین صلاحیت و شایستگی برای اداره مسئولیت نیز از حقوق مردم است که بدون در نظر گرفتن آن، حقوق آنان تضییع خواهد شد.

ب. فقدان نهاد نظارتی بر انتخابات؛

در این نگاه، انتخاباتی آزاد است که نهاد نظارتی برای تشخیص صلاحیت داوطلبان انتخاباتی و نظارت بر روند انتخابات وجود نداشته باشد و انتخابات ایران چون با نظارت شورای نگهبان صورت می‌گیرد و صلاحیت‌های افراد توسط این شورا تعیین می‌گردد، نمی‌تواند انتخابات آزاد باشد.

مشکل این برداشت این است که از آنجا که وجود

۱. مانند انتخاب زلنسکی در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین.

یک سلسله ویژگی‌ها، شرایط و توانایی‌ها در افراد برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌ها لازم و ضروری است، مرجعی نیز باید وجود داشته باشد که وجود این شرایط را در افراد احراز نماید. بر این اساس، در همه کشورها نهاد خاصی مسئولیت نظارت بر انتخابات و احراز شرایط داوطلبان انتخابات را بر عهده دارد. این نهاد رسمی عهده دار بررسی وضعیت و روند اجرای انتخابات و وجود یا عدم شرایط لازم در داوطلبان می باشد که در نتیجه به تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان می انجامد. بنابراین نظارت، امری شایع، عقلایی و قانونی در تمامی کشورها و نظام های موجود دنیا می باشد. به عنوان مثال یکی از شرایط معتبر در کلیه نظام‌های حقوقی جهان این است که کاندیدای مورد نظر سابقه کیفری نداشته باشد و افراد دارای سوء سابقه کیفری از پاره‌ای از حقوق اجتماعی، از جمله انتخاب شدن برای مجالس تصمیم گیری، هیأت‌های منصفه، شوراها و غیره محروم‌اند.^۱ آیا وجود مرجعی برای احراز این شرط و شرایطی از این قبیل مخالف آزادی انتخاب است؟

ج. آزادی همه افراد حتی مخالفان با اصل آن نظام سیاسی در انتخابات

بر این اساس، انتخاباتی، انتخابات آزاد محسوب می‌گردد که همه افراد بدون در نظر گرفتن اعتقاد به

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، پیشین، ج ۳، ص ۷۶.

مبانی و اصول نظام سیاسی و قانون اساسی آن کشور بتوانند نامزد مسئولیت شوند و برای انتخاب شدن تلاش نمایند.

اشکال چنین برداشتی این است که نتیجه چنین نگاهی نقض غرض از انتخابات و سست شدن پایه‌های نظام سیاسی و اختلال در روند حرکت کشور خواهد بود، چه اینکه معنای شرکت در انتخابات و نامزد شدن برای انتخابات، پذیرش چارچوب‌های حاکم بر آن نظام سیاسی و قواعد پذیرفته شده در آن نظام سیاسی است. کسی که در یک کشور برای عهده‌دار شدن یک مسئولیت داوطلب می‌شود در صورتی که قانون اساسی و چارچوب‌های پذیرفته شده آن کشور را قبول نداشته باشد. چگونه می‌تواند در آن مسئولیت به وظایف خود عمل نماید؟ اگر معنای انتخابات آزاد این برداشت است در هیچ کشوری چنین انتخاباتی وجود ندارد و هیچ نظام سیاسی اجازه نمی‌دهد کسانی که اصل آن نظام سیاسی و قانون اساسی کشور را قبول نداشته باشند نامزد چنین مسئولیت‌هایی شوند.

**د. آزادی حضور احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی
مختلف معتقد به مبانی و چارچوب‌های پذیرفته شده یک
نظام سیاسی با سلايق و برنامه‌های گوناگون در عرصه
انتخابات و رقابت سیاسی در پرتو نهاد نظارتی مشخص شده
در قانون؛**

با روشن شدن نادرستی و غیر منطقی بودن

برداشت‌های سه‌گانه یاد شده از انتخابات آزاد، می‌توان این برداشت را به عنوان برداشتی صحیح و منطقی از انتخابات آزاد برشمرد، زیرا در این نگاه، فضا و میدان برای حضور، فعالیت و رقابت احزاب و جریان‌های سیاسی با سلايق و افکار مختلف اما باورمند به اصول و مبانی حاکم بر نظام سیاسی، فراهم می‌شود و از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای پیشرفت کشور استفاده می‌گردد.

در کشور ما آزادی انتخابات به این معنا وجود دارد و همه احزاب و جریان‌های سیاسی که معتقد به نظام جمهوری اسلامی و مبانی آن و قانون اساسی هستند، می‌توانند نامزد معرفی نموده و در عرصه انتخابات فعالیت نمایند و احراز صلاحیتی که توسط شورای نگهبان در مورد افراد صورت می‌گیرد، چیزی جز احراز پایبندی به اصول و مبانی نظام و قانون اساسی در افراد نیست.

۵. آیا در کشورهای دیگر نیز نهادی برای نظارت بر انتخابات وجود دارد؟ و آیا نظارت آنها نیز استصوابی است؟

الف: وجود نهاد نظارتی در انتخابات اختصاص به کشور ما نداشته و نهادهای مشابه با کارکرد شورای نگهبان در سایر کشورها وجود دارند.

در اکثر کشورهای دنیا به منظور اعمال نظارت بر

انتخابات، مراجعی قانونی وجود دارند. «شورای نگهبان» در جمهوری اسلامی ایران، «دادگاه قانون اساسی» در ترکیه، «محکمه‌النقد» در مصر، «شورای قانون اساسی» و «دیوان عالی عدالت» در فرانسه، «دادگاه قانون اساسی» در آلمان، «مجلس نمایندگان» و «سنا» در آمریکا، «مجلس عوام» در انگلستان و «دادگاه قانون اساسی» در روسیه، این نقش نظارتی را ایفای نمایند.

مشابه شورای نگهبان قانون اساسی ایران، در کشورهای دیگر هم نهادهایی تحت عنوان شورا یا دادگاه وجود دارند که وظیفه‌ی آن‌ها نظارت بر صحت انتخابات است. تنها تفاوتی که وجود دارد آن است که در دیگر کشورها این نظارت در نهایت به دادگاه قانون اساسی، دادگاه عالی عدالت، شورای قانون اساسی، دیوان عالی کشور یا نهاد مشابه دیگری که واپسین تصمیم را گرفته و در برابر این تصمیم به شخص یا نهادی پاسخگو نیست، ختم می‌شود.

به عبارت دیگر وجود نهاد نظارتی در دیگر کشورها مورد تردید نیست، تنها ماهیت این نهادها متفاوت است که آن هم به ساختار سیاسی حقوقی کشورها بستگی دارد. در واقع آن چه که موجب ایجاد شبهه مبنی بر عدم وجود نهاد نظارتی بر انتخابات می‌شود، صرفاً نشأت گرفته از عدم آگاهی از حقوق اساسی و نظام انتخاباتی دیگر کشورها است و گرنه نظام انتخاباتی در

غرب دارای یک صافی ظریف است که جریان انتخابات را کنترل می‌نماید.

به عنوان نمونه در فرانسه برای آن که نامزدی فرد جهت تصدی مقام نمایندگی مردم رسمیت بیابد، لازم است حدود ۵۰۰ نفر از نمایندگان - اعم از نمایندگان مجلس یا شوراها و...- او را تأیید کرده باشند و به عبارتی پای طومار صلاحیت وی را امضا نمایند. طبق قانون، این ۵۰۰ نفر باید لااقل از ۳۰ استان مختلف کشور باشند و از هر استان بیش از ۵۰ امضا نمی‌شود، جمع نمود. بنابراین فقط افرادی می‌توانند به عنوان نامزد خود را مطرح سازند که صلاحیت خود را قبلاً در سطح کشوری به نمایش گذارده باشند. فرانسوی‌ها معتقدند این تأیید صلاحیت از ظهور افرادی که به یک‌باره در میدان سیاست ظاهر شده و رأی مردم را با خود همراه می‌سازند، ممانعت به عمل می‌آورد.^۱

ب. نظارت نهادهای سایر کشورها نیز همچون نظارت شورای نگهبان، نظارت استصوابی است.

سیستم نظارت بر انتخابات در دیگر کشورها، دائر مدار نظارت استصوابی است؛ نظارتی که می‌تواند علی‌رغم رأی قاطع مردم به نمایندگان، بنا به ملاحظه‌هایی با عدم صدور اعتبارنامه به نماینده

۱. ایوبی، حجت الله، سه راهکار برای شایسته‌سالاری در انتخابات، پیشین، ص ۳۴.

منتخب و یا ابطال نمایندگی وی و حتی ابطال انتخابات به تصمیم‌گیری در انتخابات مبادرت ورزد.

مطابق اصل ۵۹ قانون اساسی فرانسه شورای قانون اساسی در صورت درگیری بر سر مطابقت انتخاب نمایندگان و سناتورها با قانون، تصمیم‌گیری می‌کند.

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا نیز در بند ۵ اصل خود می‌گوید: «هر یک از مجلسین داور انتخابات، نتایج آن و خصوصیات اعضای مربوط به خود می‌باشند، از این رو مجلسین ایالات متحده (نمایندگان و سنا) داور انتخابات، نتایج آن، خصوصیات اعضا و صلاحیت نمایندگان هستند و از این حیث دارای نظارتی استصوابی می‌باشند.

از ویژگی‌های نظارت بر انتخابات در دیگر کشورها همانند نظارت شورای نگهبان، فراگیر بودن نظارت است. یعنی این نظارت شامل تمامی مراحل جریان انتخابات می‌باشد. با استناد به اصل ۵۸ قانون اساسی فرانسه، «شورای قانون اساسی نظارت بر صحت انتخابات، رسیدگی به اعتراض‌ها و اعلام نتایج انتخابات را بر عهده دارد. بنابراین، این نظارت در برگیرنده‌ی تمام مراحل انتخابات از ابتدا تا انتها است»^۱.

۱. نعمتی، لیلا، مقایسه کارکرد شورای نگهبان با نهادهای نظارتی

مشابه در دیگر کشورها؛ تاریخ انتشار: ۲۲ تیر ۱۳۹۲.

www.shora-gc.ir/fa/news/3232/

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. صحیفه نور.
۴. ایوبی، حجت الله، سه راهکار برای شایسته سالاری در انتخابات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
۵. بیات، عبد الرسول و جمعی از نویسندگان فرهنگ واژه ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
۶. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۷. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵.
۸. خسروشاهی، قدرت الله، دانش پژوه، مصطفی، فلسفه حقوق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۸۰.
۹. سجادی، سید عبد القیوم، مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۱۰. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی (۵) قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ج ۳.
۱۱. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۷، ج ۱-۲.
۱۲. فخر رازی، محمد، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳.

۱۳. فضل الله، سيد محمد حسين، تاملات في الفكر السياسي الاسلامي، بيروت: التوحيد.
۱۴. فيض كاشاني، محسن، المحجّه البيضاء، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۸۳ق، ج ۵.
۱۵. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۱۶. مصباح يزدي، محمد تقی، پرسش ها و پاسخ ها، قم: مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني، ۱۳۸۰.
۱۷. مصباح يزدي، محمد تقی، نظريه سياسي اسلام، قم: مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني، ۱۳۷۹.
۱۸. نوروزي، محمد جواد، نظام سياسي اسلام، قم: مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني، ۱۳۷۹.
۱۹. هاشمي، سيد محمد، حقوق اساسي جمهوري ايران، تهران: دادگستر، ۱۳۷۸، ج ۱.